



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

آشنایی با عده در اسلام و پاسخ به

برخی از شبهات

استاد راهنما

سر کارخانم ملکوتی خواه

استاد داور

حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا راعی

پژوهشگر

اعظم طغیانی

زمستان ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

آشنایی با عده در اسلام و پاسخ به

برخی از شبهات

استاد راهنما

سر کارخانم ملکوتی خواه

استاد داور

حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا راعی

پژوهشگر

اعظم طغیانی

زمستان ۱۳۹۲

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع :

که توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: اعظم طغیانی

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است ، توسط هیأت داوران مورد

ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹۰ ، با کسب رتبه
.....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم ملکوتی خواه

..... استاد داور:

..... مدرسه علمیه:

امضاء مدیر ومهر مدرسه

تقدیم به:

زنده اندیشانی که می خواهند زیبا

زندگی کنند، تقدیم به ارواح پاک

فقهای شهید اسلام و بیدادگران

اقالیم قبله در طول تاریخ.

تقدیر و تشکر

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

سپاس می‌گویم خداوند بزرگی را که همیشه از این بنده کوچک دست‌گیری کرده،
و از او مسئلت دارم که در بین هزاران بیراهه، گام بر داشتن در راه حق و حقیقت را
نصیب ما گرداند.

در ابتدا از زحمات شبانه روزی و دلسوزانه موسس محترم حوزه علمیه نرجس
خاتون (علیه السلام) حضرت آیت الله ناصری (دامه برکاته) کمال تقدیر و تشکر را دارم.

در ادامه از راهنمایی‌های سرکار خانم ناصری، مدیریت حوزه، خانم زمانی معاون
پژوهش و خانم ملکوتی خواه استاد راهنمای این پایان نامه سپاس و قدردانی می‌نمایم.

و در پایان از زحمات و فداکاری‌های عاشقانه خانواده عزیزم به خصوص همسر
گرامی‌ام که در طول این سالها با بزرگواری تمام، شرایط رشد و پیشرفت بنده‌ی حقیر را
فراهم نموده، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

چکیده

احکام مربوط به عده ی زنان در قوانین اسلامی متناسب با کرامت و ارزش انسانی زنان وضع و تشریع شده است. این تکلیف «عده» آثار فقهی و حقوقی فراوانی به دنبال دارد و گستره ی آن بسیاری از زنان جامعه را شامل می شود، لذا شناخت دقیق این مساله و تشخیص محدوده ی زمانی آن نسبت به حالات و وضعیت های مختلف زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است، به ویژه این که امروزه با پیشرفت دانش پزشکی و امکان اخراج رحم و مجهز بودن به دستگاه های پیشرفته برای تشخیص جنین در رحم، سؤالات فراوان و پاسخ داده نشده، در این زمینه وجود دارد.

هدف از این نوشتار بررسی عده و اقسام آن و پاسخ گوئی به برخی شبهات مربوطه به آن، واقعیت های موجود در جامعه همراه با کاوش، جهت دریافت نظرات فقهی مناسب و قانع کننده، و همچنین ارائه ی راه کارهای دینی برای حل معضلات و مشکلات اخلاقی بر اساس نیازهای مشروع و حقوقی می باشد.

از جمله یافته های این تحقیق می توان گفت که یکی از فلسفه های عده روشن شدن وضع زن از نظر بارداریست ولی این مسئله فلسفه های متعددی دارد و منحصر به انعقاد فرزند نیست، بنابراین در مواردی که شرع بیان نموده، زن باید طبق نص صریح وحی الهی، قرآن عده نگه دارد. بسیاری از مسائل در شرع الهی واجب شده است، که از نظر عقلی حکمت های آن برای ما روشن نمی باشد، و پیشرفت علم و تکنولوژی نتوانسته، توجیهی برای عوض شدن حکم الهی باشد، در این موارد باید به لحاظ تعبدی حکم شارع پذیرفته شود.

کلید واژه ها: انحلال زوجیت، حکم، عده، نفقه زوجه.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
بخش اول: کلیات و مفاهیم	
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱- تعریف و تبیین موضوع	۵
۲- اهمیت و ضرورت تحقیق	۵
۳- اهداف و فواید تحقیق	۶
۴- پیشینه موضوع تحقیق	۶
۵- سؤالات تحقیق	۷
۶- فرضیه تحقیق	۷
۷- روش تحقیق	۷
۸- ساختار تحقیق	۸
۹- واژگان کلیدی تحقیق	۸

۱۰ محدودیتها و موانع تحقیق ۹

فصل دوم: مفهوم شناسی

مفهوم شناسی واژه عده ۱۰

فصل سوم: تاریخچه

تاریخچه ۱۳

بخش دوم: عده و مسائل مربوط به آن در فقه شیعی و حقوق اسلامی

فصل اول: اقسام عده و بررسی برخی مسائل مربوط به اقسام آن

۱. اقسام عده ۱۸

الف. عده طلاق ۱۸

۱. عده طلاق در نکاح دائم ۱۸

۲. عده طلاق در نکاح موقت ۲۱

ب. عده وفات ۲۱

ج. عده زن حامل ۲۳

د. عده طلاق به علت غیبت شوهر ۲۴

ه. عده فسخ نکاح ۲۴

و. عده نزدیکی به شبهه ۲۶

ز. بررسی برخی مسائل و شبهات مربوط به اقسام عده	۲۸
۱. زنان غیر مدخوله	۲۸
۲. زوجه ی صغیره	۲۹
۳. زنان یائسه	۳۰

فصل دوم: فلسفه و حکمت عده

الف. فلسفه و حکمت عده	۳۶
۱. جلوگیری از اختلاط نسب	۳۷
۲. امکان رجوع شوهر در طلاق رجعی	۳۸
۳. حفظ حیات و حمایت از جنین	۳۹
۴. احترام به شوهر در فوت	۴۰
۵. اطمینان از برائت رحم	۴۱
۶. رعایت بهداشت جسمی و روحی طرفین	۴۲
۷. بالا رفتن جایگاه ارزشی	۴۲
۸. به عنوان حرفه و پیشه تبدیل نشدن	۴۳

فصل سوم: احکام مربوط به عده

الف. نفقه زوجه	۴۵
۱. طلاق رجعی	۴۵
۲. طلاق بائن و فسخ ازدواج	۴۵
۳. وفات زوج	۴۶
۴. نفقه ی عده ی طلاق رجعی	۴۶
۲. نفقه در عده ی طلاق بائن و فسخ	۴۷

۲۰.۱. نفقه ی زن غیر حامله	۴۸
۲۰.۲. نفقه ی زن حامله	۴۹
۳. نفقه در وفات زوج	۵۱
۳.۱. نفقه ی زن غیر حامله	۵۱
۳.۲. نفقه ی زن حامله	۵۱
ب. بررسی مسائل مربوط به آن	۵۵
۱. صور مختلف ازدواج در زمان عده	۵۷
۱.۱. عالم به عده و حرمت	۵۸
۱-۲. جهل به عده و حرمت	۵۸
نتیجه گیری	۶۱
پیشنهادهات	۶۳
منابع و ماخذ	۶۴

مقدمه

دین مقدس اسلام یک دین جهانی و جاودانگی است و به همه ی ابعاد وجودی انسان توجه کامل دارد. انسان در این دین از کرامت و ارزش والایی برخوردار است؛ لذا در اسلام احکامی که برای زندگی انسان تدوین شده، در راستای ارزش و کرامت ذاتی او می باشد.

یکی از مباحث متناسب با کرامت انسانی مسئله ازدواج اوست؛ که خود احکام و آثار ویژه ای را به دنبال دارد. ازدواج در دین اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. حال اگر به هر دلیلی این ازدواج منحل گردد. احکام پس از انحلال ازدواج چیست؟

حکم عده یکی از مهم ترین احکام پس از انحلال است. عده یعنی مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی تواند شوهر دیگری اختیار کند.

بحث عده تنها در دین اسلام مطرح نشده است بلکه در بسیاری از اقوام در سراسر دنیا متداول بوده، ولی متأسفانه با کرامت انسانی در تعارض بوده، مثلاً در قبایل عرب زن شوهر مرده تا یکسال لباس مندرس و کثیف می پوشید و حق نظافت و استحمام نداشت و مرتب باید عزاداری می کرد.

با آمدن اسلام زن ارزش و مقام خود را بازیافت مدت عده بستریه نوع انحلال تغییر یافت، و تنها حق آرایش و زیبا کردن نداشت و گرنه می توانست مانند زنان دیگر به نظافت شخصی خود بپردازد.

فلسفه ی حکم عده به طور کامل روشن نیست و بنابر روایات مختلفی از جمله جلوگیری از اختلاط نسب، حرمت همسر، رعایت بهداشت جسمی و روحی طرفین ذکر شده است. در این باره دو نظریه مطرح است عده یک حکم تعبدی است و هیچ گاه تغییر نمی کند.

عده یک حکم توصلی است و زمانی علت آن کشف شود ممکن است تغییر کند. در هر حال هر یک از این دو نظریه را بپذیریم حکم عده برداشته نمی شود زیرا اگر تعبدی باشد که هیچ گاه برداشته

نمی شود و اگر توسلی باشد باید علت واقعی را پیدا کرد که آن هم روشن نیست. پس به ناچار حکم عده برداشته نمی شود.

سعی این تحقیق بر این است که علاوه بر تبیین مفهوم عده و فلسفه آن، احکام آن را بیان کرده و همچنین به بعضی سوالاتی که در این زمینه مطرح است بپردازد. باشد که مورد رضایت حق تعالی گردد.

بخش اول: مفهوم شناسی

فصل اول: کلیات

فصل دوم: مفهوم شناسی

فصل سوم: تاریخچه

بخش اول: فصل اول

فصل اول: فصل کلیات

فصل اول: طرح تحقیق

- ۱ - تعریف و تبیین موضوع**
- ۲ - اهمیت و ضرورت تحقیق**
- ۳ - اهداف و فواید تحقیق**
- ۴ - پیشینه موضوع تحقیق**
- ۵ - سوالات تحقیق**
- ۶ - فرضیه تحقیق**
- ۷ - روش تحقیق**
- ۸ - ساختار تحقیق**
- ۹ - واژگان کلیدی**
- ۱۰ - محدودیت ها و موانع تحقیق**

۱- تعریف و تبیین موضوع

عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند.

فلسفه ی اساسی و بنیادین نهادن آن، پرورش روح تعبد و سرسپاری در پیشگاه خالق یکتا می شود و نظر آدمی را به جای توجه به خالق به کارکردهای جزئی معطوف ساخته و گرفتار نوعی شرک می سازد. از این رو شارع مقدس نیز به بیان فلسفه ی همه ی احکام الهی نپرداخته است و تنها به نقل پاره ایی از آنها اشاره کرده است، لیکن به طور کلی این مسأله را گوشزد نموده است که وضع همه ی این احکام به سود انسان و برای خیر و سعادت ابدی اوست.

به هر صورت درباره ی فلسفه ی احکام علاوه بر منافع و ضررهای مادی و جسمی باید به آثار مثبت و منفی آن بر «روح و معنویت» انسان دقت نمود و علاوه بر جنبه ی فردی باید به تأثیر آن در هنجار یا ناهنجاری اجتماع نیز توجه کرد و از آن جا که ابعاد سه گانه «جسمی و روحی و اجتماعی» آدمی رابطه ی ارگانیک و به هم پیوسته با یکدیگر دارند و از آن جا که آخرت انسان جدا از دنیای او نیست، «احکام الهی» با توجه به تمامی این جوانب تشریع شده است. از این رو در فلسفه ی احکام باید با نگاهی گسترده به تمام ابعاد انسان و زاویه های آشکار و پنهان آن نظر افکند تا در انتخاب زیبایی ها و راه های آرامش و آسایش دچار خطا نگردیم. در این تحقیق نیز سعی شده با کمک منابع فقهی و حقوقی مسأله عده و فلسفه و احکام مربوط به آن را تبیین و استدلال گردد.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به متغیر بودن نیازهای بشر در زمان ها و مکان های مختلف، قوانین و مقررات مربوط به هر موضوع باید دارای آن چنان جامعیت و مانعیتی باشد که بتواند در شرایط و موقعیتهای متفاوت کارایی لازم را داشته باشد. لذا برای دست یافتن به چنین قانون هایی، تبیین علت و ماهیت هر حکم

اهمیت ویژه ای دارد. این موضوع برای بشری که در بستر زمان همیشه در حال تغییر و دگرگونی افکار و اندیشه ها می باشد، به تلاشی مستمر و همیشگی نیاز دارد تا به تناسب این تغییر و تحول امکان تطبیق همیشگی موضوعات مربوط به خانواده و جامعه را فراهم آورد، لذا با توجه به اینکه امر ازدواج و انحلال آن از احوال شخصیه مهم در جامعه می باشد، ضرورت دارد، تحقیقات و پژوهش های علمی و فقهی لازم در این خصوص صورت گیرد و عملاً کاربردی شود؛ زیرا موضوع حقوق در ایران متأثر اسلام می باشد که موجب تاسیس موضوعات و احکام جدید خواهد بود.

۳ اهداف و فوائد تحقیق

هدف تحقیق: آشنایی با عده در اسلام و پاسخ به برخی از شبهات مربوطه

فوائد تحقیق:

۱. تبیین اقسام عده

۲. آشنایی فلسفه و حکمت های وجود عده در اسلام و شبهات مربوط به آن

۳. آشنایی با برخی از احکام عده و شبهات مربوط به آن

۴ - پیشینه موضوع تحقیق

منابعی که در این تحقیق از آن ها مورد استفاده قرار گرفت از قبیل انواع عده و وضعیت زنان فاقد رحم نوشته ی علی علوی قزوینی، و حقوق مدنی خانواده نوشته ی ناصر کاتوزیان، زهرا گواهی، بررسی حقوق زنان در مسائل طلاق، به بیان انواع عده پرداخته و بررسی حقوق زنان پرداخته و حقوق زنان در امر طلاق پرداخته، ولی به طور منسجم بر اساس این رساله، هیچ کتبی به احکام و مسائل و شبهات مرتبط با آن و مسائل جدید بیان نکرده است.

۵ - سوالات تحقیق

سوال اصلی:

۱. دیدگاه اسلام نسبت به عده زنان چیست؟

سوالات فرعی:

۱. عده به چند قسم قابل تقسیم است؟

۲. حکمت وضع عده چیست؟

۳. احکام مربوط به زمان عده چه می باشد؟

۶ - فرضیه تحقیق

موضوع نگه داشتن عده و اقسام آن در کتاب و سنت تعیین گردیده و نظر مجتهد، بر اساس شرایط زمانی و مکانی تاثیر گذار نمی باشد.

۷ روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف بنیادی بوده و باتوجه به جمع آوری مطالب از نوع نقلی و به روش تحلیلی می باشد و از آنجا که شیوه گرد آوری آن از طریق مراجعه به کتب و مقالات بوده از نوع کتابخانه ای است.

۸ - ساختار تحقیق

این تحقیق از دو بخش تشکیل شده است که در بخش اول مشتمل بر سه فصل است:

۱. طرح تحقیق

۲. مفهوم شناسی

۳. تاریخچه

بخش دوم مشتمل بر سه فصل می باشد:

۱. اقسام عده و بررسی برخی مسائل مربوط به اقسام آن

۲. فلسفه و حکمت عده

۳. احکام مربوط به عده و بررسی برخی مسائل مربوط به اقسام آن

۹- واژگان کلیدی

عده: در اصطلاح فقهاء عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند خواه آن به موجب انحلال طلاق یا فسخ نکاح یا فوت شوهر باشد.

ماده ی ۱۱۵۰ قانون مدنی در تعریف عده می گوید: «عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند.»

نفقة زوجه: از نظر اسلام تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن به عهده مرد است که نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد، در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء. دائم بودن نکاح و تمکین زوجه از شروط وجوب نفقه است.

انحلال زوجیت: عقد نکاح به فسخ یا به طلاق، یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می شود در محلی که اقتضای ادامه داشته باشد.

حکم: امری که شارع مقدس یا قانون گذار دستور به اجرای آن می دهد و افراد ملزم به اجرای آن هستند.

۱۰ - محدودیتها و موانع تحقیق

این تحقیق به نوبه خود مانند تحقیق های دیگر با مشکلات و موانعی رو به رو بوده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. کمبود منابع معتبر در زمینه مسائل جدید مربوط به بحث عده موضوع تحقیق

۲. منسجم نبودن منابع موجود در زمینه تحقیق

۳. قوانین و محدودیت کتابخانه ای مانند: ممنوعیت استفاده از کتاب در خارج از سالن کتابخانه، یا ندادن بیش از چند جلد از کتاب در هر روز به مراجعه که با توجه به هر مسافت تا محل سکونت مشقات زیادی را در پی داشت.

بخش اول: فصل دوم

فصل دوم: مفهوم شناسی

مفهوم شناسی واژه «عده»

از جمله اموری که باید در آغاز هر نوشته به آن پرداخته شود، تعریف موضوع اصلی نوشته می باشد. از این رو ضروری است پیش از پرداختن به دیگر مباحث، به «مفهوم شناسی عده» پرداخته و بعد از آن به بیان و تبیین اقسام عده - اشاره کرده، و سپس به فلسفه و حکمت نگه داشتن عده و در پایان به برخی از احکام مربوط به عده پرداخته شود.

«عده» به کسر عین اسم است و مشتق از «اعتداد» می باشد^۱ و به معنای «به شمار آمدن و به شمار آوردن» آمده است.^۲ در اصطلاح فقهاء عبارت است «از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند خواه آن که موجب انحلال طلاق یا فسخ نکاح یا فوت شوهر باشد»^۳

ماده ی ۱۱۵۰ قانون مدنی در تعریف «عده» می گوید:

«عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند»

بدین ترتیب، عده از آثار انحلال نکاح است، و به معنای نزدیکی جنسی بین زن و مرد نمی باشد. قانون گذار نزدیکی به اشتباه، حکم نزدیکی با نکاح درست را قرار داده است. از این استثناء که بگذریم، نباید چنین پنداشت که نزدیکی زن و مرد باعث اجرای حکم عده است. به همین جهت، زنا عده ندارد، هر چند که زن در اثر آن حامل باشد.^۴

۱ - لويس معلوف، ترجمه المنجد با اضافات، عربی به فارسی، احمد سیاح، ج ۲، هفتم، تهران: انتشارات اسلام،

۱۳۸۷، حرف ع، ص ۱۲۳۴.

۲ - راغب اصفهانی، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیم نیا، هفتم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۷، ص ۲۹۳.

۳ - احمد میر خانی، آیات الاحکام، بی جا، انتشارات گنجینه، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۵۰.

۴ - به فقهای مالکی و حنبلی نسبت داده شده است که نزدیکی به زنا را نیز مانند «وطی به شبه» و نکاح درست باعث لزوم نگاهداری عده دانسته اند: محمد جواد، مغنیه، فقه در پنج مذهب، ص ۴۳۶.

محدث بحرانی در تعریف «عده» آورده است: «زن عده نگه می دارد تا از پاک بودن رحمش از

حمل آگاهی یابد یا اساساً از باب تعبد عده نگه می دارد.»^۱

مبنای حکم راجع به لزوم نگاه داشتن عده را در دو نکته می توان خلاصه کرد:

۱. جلوگیری از اختلاط نسل

۲. رعایت حرمت نکاحی که منحل شده است و فراهم ساختن امکان بازگشتن به آن.

(در این دو مورد در بخش دوم، فصل دوم توضیحاتی ارائه می دهیم) هیچ یک از این دو مصلحت نمی تواند تمام احکام عده را توجیه کند. به همین جهت، باید به خاطر داشت که این ها حکمت قواعد مربوط به عده است نه علت آن ها، چنان که عده ی وفات را به طور معمول مستند به لزوم رعایت احترام به نکاح می کنند، ولی معلوم نیست چرا شوهر نباید چنین حرمتی را نگه دارد؟ هم چنین، به درستی نمی توان فهمید که چرا مدت این عده در وفات چهار ماه و ده روز است. به بیان دیگر، مصالحی که یاد شد، دو عامل مهمی است که قانون گذار را در وضع احکام مربوط به عده برانگیخته است، رابطه ی علیت آن ها با قوانین، به دلایلی و از جمله مخلوط شدن با عادات و رسوم اجتماعی، قطع شده است.^۲

۱- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق و تعلیق محمود قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶، ج ۳۲، ص ۲۱۲.

۲- ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، بی جا، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۰۶.

بخش اول: فصل سوم

فصل سوم: تاریخچه

در قبائل دور از تمدن مانند وحشیان آفریقا و استرالیا و جزائر مسکونی اقیانوسیه و اهالی بومی آمریکای قدیم و غیره، زندگی زنان نسبت به مردان مانند زندگی چهارپایان و سایر جانوران اهلی نسبت به انسان بوده است ... زن در کلیه امور زندگی تابع مرد بود و هیچ گونه اختیاری از خود نداشت، مادامی که ازدواج نکرده بود پدر و بعد از ازدواج شوهر ولی مطلق او بود.

مرد می توانست زنش را به هر کس بخواهد بفروشد یا ببخشد یا او را به همخواهی و فرزند آوردن و خدمت کردن دیگران قرض بدهد. و می توانست به هر نحوی که بخواهد او را مجازات کند و حتی او را بکشد، و می توانست رهایش کرده به حال خود بگذارد تا بمیرد یا زنده بماند. و می توانست او را مانند گوسفند بکشد و در قحطی و میهمانی گوشتش را بخورد، همچنین اموال و حقوق زن در خرید و فروش و داد و ستد متعلق به مرد بود.

زن در اغلب ملل متمدن پیش از اسلام بعد از مردن شوهر، زن حق ازدواج نداشت و همچنین از معاشرت در خارج از خانه ممنوع می شد و هر یک از ملل به حسب اوضاع و مناطق خصوصیتی داشتند.^۱

قبائل عرب در باب عده سنن و تشریفات مختلفی داشتند و عده طلاق و عده وفات تشریفات و آداب خاص آن در نظر قبائل مختلف یکسان نبود مثلاً در عده وفات زنان شوهر مرده به اقتضای آداب و سنن محیط ملزم بودند حداقل یک سال تمام لباس های مندرس و کثیفی با رنگ مشمئز کننده و تریبی که حکایت از عزا داشته باشد پیوسته بپوشند و از هر گونه زیور و زینت و آرایش و حتی شستشو و تنظیف بر کنار باشند و همواره در آن خیمه به سر برده و به عزاداری مشغول بودند.

اسلام در چنین دورانی شروع به مبارزه با این عقاید فاسد و زورگوئی هائی نسبت به زنان نمود و در مقابل یک سال یا بیشتر عده وفات نگاه داشتن را چهار ماه و ده روز قرار گذاشت و در مقابل خیمه

۱ اسد الله محمدی نیا، بهشت جوانان، قم: نصایح، ۱۳۷۸، ص ۴۵ ۴۴.

زدن روی قبر و با آن کثافت زندگی کردن دستور داد که زنان در خانه باشند و در مجالس عروسی و مهمانی حاضر نشوند و جلوی زینت کردن و لباس های فاخر پوشیدن را گرفت ولی ضمناً دستور نظافت و حمام و پاکیزگی را هم به آنان داد، اسلام آن ها را از اسارت و بدبختی نجات شان داده، آنهایی که با لحن اعتراض می گویند آیا واقعاً اسلام به مردان اجازه طلاق داده که گاهی به وسیله طلاق دادن و گاهی به وسیله طلاق ندادن هر نوع زجری که دل شان می خواهد با زنان رفتار کنند اینان اطلاع از حقایق اسلامی ندارند، اسلام با طلاق سخت مخالف است مگر در مواقع و مواضع خاصی که چاره منحصر به جدایی باشد اسلام مردانی را که مرتب زن می گیرند و طلاق می دهند آن ها را دشمن خدا می داند. در حالی که آنها نمی دانند در بسیاری از قبائل زورمند و یا افراد زورگو وقتی زنان خود را طلاق می دادند بدون آن که حيله رجوع و طلاق مجدد را به کار برند زنان مطلقه شان حق ازدواج با مرد دیگری را نداشتند زیرا ازدواج مجدد این زن با غیرت و عصبیت عربی شوهر قبلی او منافات داشت و او هرگز نمی گذاشت چنین عاری بر دامن او و قبیله اش بنشیند، وقوع ازدواج مجدد مساوی بود با جنگ ها و خونریزی هایی که باید دهها سال در قبیله ها و خانواده ها ادامه پیدا کند.

در سنن ابو داوود از اسماء انصاری، دختر یزید بن سکن روایت کرده که گفت: در زمان رسول خدا همسرم مرا طلاق داد، و تا آن ایام زن مطلقه عده نداشت، در همان روزهایی که من مطلقه شدم حکم عده طلاق نازل شد. بر اساس این حدیث، اسماء اولین زنی است آیه عده طلاق درباره وی نازل شده است^۱.

در تفسیر عیاشی از ابوبکر حضرمی از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: وقتی آیه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» و کسانی که از شما می میرند و همسرانی باقی می گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عده نگه دارند)!! نازل شد، زنان با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بگو مگو کردند که ما نمی توانیم چهار ماه و ده روز صبر کنیم. حضرت به ایشان فرمود: در جاهلیت وقتی یکی از شما شوهرش می مرد، پشکل شتری را می گرفت و به پشت

۱ - سنن ابو داوود، ج ۱، ص ۵۱۰ برگرفته از کتاب محمد حسین طباطبایی زن در قرآن، تصحیح محمد مرادی، قم:

سر خود می انداخت، و پس از مرگ شوهر خود، در پرده می نشست تا درست یک سال بگذرد. آن وقت در مثل همان روز آن پشکل را بر می داشت و می سایید و به چشم خود سرمه می کشید، و آنگاه شوهر می گرفت. حالا چطور شده که در برابر چهار ماه و ده روز که حکم خداست، نمی توانید صبر کنید؟^۱

۱ - ابو نصر محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی تصحیح هاشم رسولی محلاتی ج، ۱ ص ۱۲۱، برگرفته از کتاب محمد حسین طباطبایی، زن در قرآن، تصحیح محمد مرادی، قم: هاجر، ۱۳۸۷، ص ۴۲۱.

بخش دوم: عده و مسائل مربوط به

آن در

فقه شیعی و حقوق اسلامی

فصل اول: اقسام عده و بررسی برخی مسائل مربوط به اقسام

آن

فصل دوم: فلسفه، حکمت عده و بررسی برخی

مسائل مربوط به اقسام آن

فصل سوم: احکام مربوط به عده و بررسی برخی

مسائل مربوط به اقسام آن

فصل اول: اقسام عده و بررسی مسائل مربوط به

اقسام آن

۱. اقسام عده

الف. عده طلاق

۱. عده ی طلاق در نکاح دائم

۲. عده ی طلاق نکاح موقت

ب. عده وفات

ج. عده زن حامل

د. عده طلاق به علت غیبت شوهر

ه. عده فسخ نکاح

و. عده نزدیکی به شبهه

۲. بررسی برخی مسائل مربوط به اقسام عده

قواعد مربوط به «عده» از احکامی است که به مناسبت انحلال نکاح وضع شده است و به تعبیری می توان آن را از آثار انحلال نکاح برشمرد. به این اعتبار عده را بایستی به عده ی طلاق، عده زن حامل، عده طلاق به علت غیبت شوهر، عده ی وفات، عده ی فسخ، و عده ی نزدیکی به شبهه و ... تقسیم کرد. که ما در این جا به برخی از اقسام عده اشاره می کنیم.^۱

الف. عده طلاق

عده ی طلاق را می توان به دو قسم تقسیم کرد: نکاح دائم و نکاح موقت.

۱. عده ی طلاق در نکاح دائم

در نکاح دائم، در صورتی که به طلاق منحل شود، زن باید عده ی طلاق نگه دارد. برای این که زن موظف به نگاه داری عده شود باید این دو شرط وجود داشته باشد:

اولاً: شوهر با زن نزدیکی کرده باشد: حکمت اصلی عده ی طلاق جلوگیری از اختلاط نسل است و به همین جهت، هر گاه زنی پیش از نزدیکی طلاق داده شود، عده ندارد و می تواند بی درنگ شوهر کند (ماده ی ۱۱۵۵ ق. م.).

دوماً: زن یائسه نباشد: زنی یائسه است که به سنی رسیده باشد که عادت نبیند و مأیوس از حاملگی شود. سن یائسگی در مورد زنان متفاوت است و گاه زنی به فاصله ی چند سال زودتر یا دیرتر از معمول به این حالت می رسد. چون اثبات تغییر حالت زن دشوار است، باید دید در چه سنینی زن به طور معمول یائسه می شود و رسیدن به این سن را اماره ی یائسگی قرار داد.

از این جهت نیز تعیین سن یائسگی ضرورت دارد که، به موجب قانون مدنی، هر گاه زنی به این سن نرسد و به دلایلی غیر از کهولت عادت زنانگی نبیند، باید عده نگه دارد.^۲

۱ - ناصر کاتوزیان، همان، ص ۵۰۷.

۲ - همان، ص ۵۰۸.

قانون مدنی درباره ی سن یائسگی حکمی ندارد. در فقه نیز اختلاف است: بعضی پنجاه سالگی و بعض دیگر شصت سالگی را تعیین کرده اند. مشهور معتقدند: زن سیده باید بیشتر از شصت سال داشته باشد وزن غیر سیده باید بیشتر از پنجاه سال قمری داشته باشد^۱. و گروهی نیز، به استناد اخباری که در این باب رسیده است، برای زنان قریش شصت سالگی و برای سایرین پنجاه سالگی را قرار داده اند.^۲

تبعیض اخیر در حقوق کنونی امکان ندارد و به نظر می رسد که نتوان به طور قاطع سنی را برای یائسگی معین کرد. با توجه به وضع غالب زنان، باید آن را حدود پنجاه سالگی شمرد. بنابراین، اگر زنی در سن ۴۸ سالگی عادت زنانگی نبیند، نمی توان ادعا کرد که با اقتضای سن عادت نمی شود (از او عده را برداشت) و حتماً باید عده نگه دارد. هم چنین اگر زنی در سن ۵۱ سالگی عادت ببیند نباید او را یائسه دانست و از نگه داشتن عده معاف کرد.

از نظر اثبات یائسگی، می توان زنی که به پنجاه سالگی رسیده به حکم ظاهر یائسه است و خلاف آن باید ثابت شود و بر عکس، زنی که ادعا دارد پیش از این سن به مرحله ی یائسگی رسیده است، باید با دلیل بیان نماید.

برای تشخیص این که زن باید عده نگه دارد یا از آن معاف است باید وضع او را در زمان طلاق در نظر داشت. پس، اگر در این زمان یائسه باشد، عده ندارد و گرنه تابع قواعد حاکم بر زنانی است که عادت زنانگی می بینند.

اگر در خلال عده زنی یائسه شود، باید به جای هر طهری که از عده باقی مانده است یک ماه عده نگاه دارد (مستفاد از ماده ی ۱۱۵۱ ق.م.و).

بنابراین، هر گاه زنی بعد از طلاق یک بار عادت شود و پس از آن یائسه شود باید دو ماه دیگر (که به طور معمول دو طهر است) عده نگاه دارد و اگر بعد از طلاق و پیش از عادت شدن به حد یأس برسد

۱ - محمد فاضل موحدی لنکرانی، رساله توضیح المسائل آیت الله فاضل لنکرانی، چاپ هشتاد و دو، قم: مرکز فقه

اثمه اطهار (علیهم السلام)، ص ۴۵۱.

۲ - محمد حسن نجفی، همان، ص ۱۶۱.

عده ی او سه ماه است، چون بنا به فرض هیچ طهری را به پایان نرسانده است. به همین قیاس اگر بعد از دو بار عادت شدن زن یائسه شود، یک ماه عده را کامل می کند.^۱

به موجب - ماده ی ۱۱۵۱ ق.م. - عده ی طلاق سه «طهر» است: یعنی زن بایستی از تاریخ وقوع طلاق سه بار دوران پاکیزگی بعد از عادت را به پایان برساند. این محاسبه دشوار نیست و تنها این سؤال مطرح است که، آیا طهری که طلاق در آن واقع می شود یکی از سه طهر است یا این طهر ناقص را نباید به حساب آورد؟

برای روشن شدن موضوع، فرض کنیم دوران پاکیزگی زنی به طور معمول بیست روز است و پس از گذاشتن پانزده روز طلاق واقع می شود. در این فرض، آیا بعد از پایان طهر (پنج روز) زن یکی از سه طهر را به پایان رسانده است یا این مدت ناقص به حساب نمی آید و زن باید سه طهر بعد از عادت آینده عده نگه دارد؟

پاسخ این پرسش را فقها چنین داده اند که طهر نخست نیز در این محاسبه منظور می شود، هر چند که لحظه ای از آن باقی مانده باشد. بنابراین، با آغاز سومین عادت زنانگی عده نیز پایان می پذیرد. زیرا شروع هر عادت نشانه ی گذشتن مدت طهر پیش از آن است.^۲ نویسندگان مدنی نیز از این نظر پیروی کرده اند.^۳

و از ظاهر ماده ی ۱۱۵۱ قانون مدنی نیز جز این بر نمی آید، چون بر کوتاه ترین مدت پاکیزگی نیز طهر گفته می شود.

هرگاه صیغه ی طلاق در آخرین لحظه های طهر گفته شود، به گونه ای که منتهی به عادت شود، زن باید پس از این عادت سه طهر نگاه دارد.^۴

۱ - محمد کاظم یزدی، جواهر الکلام، چاپ سنگی، جلد نکاح، ص ۵۵.

۲ - همان.

۳ - حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۵، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۱، ص ۷۶.

۴ - نفاس نیز از نظر عده در حکم عادت زنانگی است. پس، اگر زنی بعد از وضع حمل و پیش از نفاس طلاق داده شود فاصله ی بین طلاق و نفاس یک طهر محسوب می شود. (محمد کاظم یزدی، همان، ص ۵۷).

۲. عده ی طلاق نکاح موقت

ازدواج موقت به نوعی از زناشویی گفته می شود که زمان آن محدود و معین باشد یعنی زوجین، عقد و پیمان می بندند در مدت مشخصی زن و شوهر همدیگر باشند. در ازدواج موقت، خرج ها و هزینه های زن بر عهده خود زن می باشد. عده زن جدا شده از ازدواج موقت ۴۵ روز است. ازدواج موقت (متعّه) بدون نیاز به طلاق و صرفاً با تمام شدن مدت یا بذل مدت آن از طرف زوج، پایان می یابد. در زمان عده نکاح موقت نیز برای مرد امکان رجوع نیست، ماده ۱۱۳۹ ق. م. مقرر می دارد: «طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه به انقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می شود.»

ب. عده وفات

به موجب ماده ی ۱۱۵۴ ق. م. م. : «عده ی وفات چه در ازدواج دائم و چه در ازدواج منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است...» مدت عده ی وفات از شرع گرفته شده است.^۱ آنها با استناد به آیه : «وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۲ و کسانی که بمیرند و زنانشان بمانند آن زن ها باید از شوهر کردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز و پس از پایان مدت مزبور بر آنان باکی نیست در حق خویشتن مشروع کنند.»

چنان چه اشاره شد، هدف اصلی از رعایت عده ی وفات احترام به نکاحی است که در اثر فوت شوهر منحل شده است. به همین جهت، در مواردی هم که بیم اختلاط نسل نمی رود و عده ی طلاق نیز ضرورت ندارد، نگاه داری عده ی وفات مقرر شده است؛ بر این اساس، در نکاح یائسه و همچنین

۱- سید محمد قطب الدین راوندی، فقه القرآن فی شرح آیات القرآن، ج ۲، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۶۹.

نکاحی که پیش از نزدیکی منحل شده است، رعایت عده ی وفات ضروری است^۱ (ماده ی ۱۱۵۵ ق.م.ا).

اما عده ی وفات در مورد زن حامل متفاوت است که مهمترین سبب حکم عده حمایت از جنین و حفظ سلامت آن است. ممکن است زن پس از چهار ماه و ده روز عده ی وفات هنوز حامل باشد و اجازه ی شوهر کردن او به سلامت جنین صدمه بزند. به همین جهت، با این که بیم اختلاط نسل در زن حامل نمی رود، تا زمان حمل باید از شوهر کردن پرهیز کند. همین حکمت در مورد انحلال نکاح به دلیل فوت شوهر نیز وجود دارد. از سوی دیگر، اگر وضع حمل پیش از پایان چهارماه و ده روز رخ دهد، با این که لزوم حمایت از جنین منتفی شده است، مباح ساختن نکاح زن از نظر اخلاقی ناپسند می باشد.

برای جمع این دو مصلحت، قانون گذار دورترین این دو مدت آغاز (چهار ماه و ده روز و وضع حمل) را عده ی زن قرار داده است و گفته می شود که زن باید این مدت عده را رعایت کند. چنان چه مدت عده در پایان ماده ی ۱۱۵۴ و پس از اعلام وفات تا موقع وضع حمل است، مشروط بر این که فاصله ی بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد و در غیر این صورت مدت همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.^۲ تاریخ شروع عده بر طبق قاعده این است که مدت عده از تاریخ انحلال نکاح شروع شود و این قاعده در مورد عده ی طلاق و وفات و فسخ و بذل مدت یکسان است.^۳

۱ رجلی عاملی، (شهید ثانی)، مسالک الافهام، ج ۲، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۷۳، ص ۸۳..

۲ - در فقه حنفی عده ی زن حامل به وضع حمل پایان می پذیرد، هر چند که زودتر از چهار ماه و ده روز از تاریخ وفات باشد.

۳ - پاره ای از فقها (محمد کاظم یزدی، همان، ج ۲، ص ۷۸) این حکم را در موردی هم که شوهر حاضر است ولی زن از فوت او بی خبر مانده جاری می دانند.

در فقه نظرهای گوناگونی در این باره بیان شده است^۱، آن چه بیش از همه شهرت دارد این است که، چون بر زن واجب است، بعد از فوت شوهر تا چهار ماه و ده روز از آرایش کردن و پوشیدن لباس های رنگارنگ پرهیز کند (حداد)، پس در موردی که خبر فوت شوهر مدت ها بعد از وقوع آن به زن می رسد باید از تاریخ این خبر عده نگاه دارد.^۲

ج. عده زن حامل

به موجب ماده ی ۱۱۵۳ ق.م. : «عده ی طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است». مفاد قانون نشان می دهد که آن چه در مورد زن حامله مورد توجه و حمایت قرار گرفته است حفظ سلامت حمل و نه پیش گیری از اختلاط نسل می باشد. به نظر می رسد که قانون گذار، به منظور رعایت حرمت نکاحی که باعث ایجاد حمل شده است و صیانت موجودی که در شرف تکوین می باشد، مادر را از شوهر کردن منع کرده است. وضع حمل ممکن است در اثر عمل جراحی یا به طور طبیعی انجام گیرد یا وقوع حادثه ای که منجر به سقط جنین شود، در هر حال، چون با از بین رفتن یا به دنیا آمدن حمل نگاه داشتن عده مبنا و فلسفه ی خود را از دست می دهد، عده نیز پایان می پذیرد، هر چند که مدت آن اندک باشد. باید دانست که وضع حمل در صورتی پایان عده محسوب می شود که این دو شرط با هم جمع باشد:

۱. حمل منسوب به شوهری باشد که زن را طلاق داده است. هرگاه زنی که شوهرش مدت ها غایب بوده است حامله باشد یا وضع حمل کمتر از شش ماه از تاریخ ازدواج اتفاق بیفتد یا معلوم شود که حمل در اثر زنا یا نزدیکی به شبهه با دیگری بوده است، باید سه ماه عده نگاه دارد.^۳

۱ - برای دیدن تفصیل این نظرها، رجوع شود به، شهید ثانی، همان، ج ۲، ص ۸۳.

۲ - حسن امامی، همان، ج ۵، ص ۸۳.

۳ - زین الدین شهید ثانی، قواعد، ج ۲، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۸، ص ۶۹ و ۷۰.

۲. وضع حمل به طور کامل انجام پذیرد. در صورتی که زن دوقلو حامله باشد، با زایمان یکی از آن دو، عده پایان نمی یابد. همچنین، تا مدتی که زایمان یا عمل جراحی مربوط به سقط جنین و اخراج آن از رحم ادامه دارد، عده نیز پایان نیافته است.^۱

د. عده طلاق به علت غیبت شوهر

چنانچه بیان شد، به موجب ماده ی ۱۰۲۹ قانون مدنی، زن می تواند به استناد غیبت بی خبر شوهر در صورتی که چهار سال ادامه یابد از دادگاه درخواست طلاق کند. این طلاق را نباید با انحلالی که در نتیجه ی صدور حکم موت فرضی تحقق می یابد، مخلوط کرد. در فرض نخست، عده ای که زن نگاه می دارد عده ی طلاق است، هر چند که مدت آن را قانون به اندازه ی «عده ی وفات» معین کرده است.^۲ به همین جهت «اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضای عده مراجعت نماید، نسبت به طلاق حق رجوع دارد...» (ماده ی ۱۰۳۰ ق. م. و در فرض دوم، که حکم موت فرضی شوهر صادر شده است، انحلال نکاح نیازی به طلاق ندارد و هرگاه خبری از حیات شوهر به دست آید معلوم می شود که نکاح منحل نشده است: بنابراین شوهر نیازی به رجوع ندارد اگر در این فرض زن شوهر نکرده است می تواند زندگی زناشویی را با او ادامه دهد. عده ی این انحلال در واقع عده ی وفات می باشد.

ه. عده فسخ نکاح

گاهی کشف بعضی از عیوب در زن پس از نزدیکی، باعث فسخ نکاح از جانب مردان می شود این عیوب عبارتند از: جذام، برص، زمین گیری و...

۱. مبنای مشترک عده ی فسخ نکاح و عده ی طلاق

وجود تبعیضاتی در احکام مربوط به فسخ، به طوری که کشف بعضی از عیوب را در زن، موجب حق فسخ نکاح برای مرد تلقی نموده، اما در ارتباط با مردان استثنا قائل شده، از جمله مواردی است که با

۱- ناصر کاتوزیان، همان، ص ۵۱۲.

۲- محمد کاظم طباطبایی، ملحقات عروه الوثقی، بی جا، بی تا، جزء ۲، ص ۷۲.

طرز تفکر انسان امروز جور در نمی آید. مثلاً کشف عیوبی مانند: جذام، برص، زمین گیری و نابینائی در زن، موجب حق فسخ نکاح برای مرد می باشد، اما کشف همان عیوب در مرد، چنین حقی را برای زن موجب نمی گردد.^۱

در فسخ نکاح نیز مبنای مهم عده جلوگیری از اختلاط نسل و گاه حمایت از جنین است و از این رو با عده ی طلاق شباهت تام دارد. به همین جهت، قانون مدنی هنگام تعیین مدت عده، فسخ و طلاق را با هم موضوع حکم قرار داده است: در ماده ی ۱۱۵۱ آمده است که: «عده ی طلاق و عده ی فسخ نکاح، سه طهر است، مگر این که زن با اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده ی او سه ماه است» و در مورد زن حامل ماده ی ۱۱۵۳ مقرر می دارد: «عده ی طلاق و فسخ نکاح... در مورد زن حامله تا وضع حمل است».

تنها تفاوتی که بین مدت عده ی فسخ نکاح و طلاق دیده می شود. طلاق ویژه ی نکاح دائم است، و فسخ در نکاح منقطع نیز امکان دارد و مدت آن دو طهر است، مگر این که زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز می باشد (ماده ی ۱۱۵۲ ق. م. و. م.). باید افزود که عده ی انفساخ، در مورد مسلمان شدن زن کافر یا کفر شوهر زن مسلمان مانند عده ی فسخ است.

۲. تفاوت احکام این دو عده

با این که مدت عده ی طلاق و فسخ در نکاح دائم یکسان است، احکام این دو عده و موقعیت حقوقی زن در آن ها تفاوت کلی دارد:

۲.۱. طلاق در دو قسم بائن و رجعی. در طلاق رجعی، شوهر می تواند بعد از آن رجوع کند، بدون این که به نکاح جدید نیازی باشد، زندگی زناشویی را از سر گیرد. این تقسیم در فسخ وجود ندارد، نکاح به طور قطعی منحل می شود و رجوع در عده ی فسخ امکان ندارد.

۱ - کریم نافع فرد، زن از دیدگاه اسلام و تمدن غربتهران: عابد، ۱۳۸۳، ص ۲۷۷.

۲۰۲. زن تا زمانی که در عده ی طلاق رجعی است حکم زوجه را دارد؛ از شوهر نفقه می گیرد، احکام توارث بین او و شوهر باقی است و داشتن رابطه ی نامشروع با چنین زنی حرمت ابدی ایجاد می کند، در صورتی که زنی که در عده ی فسخ نکاح به سر می برد با شوهر پیشین بیگانه است.^۱

و. عده نزدیکی به شبهه

۱. مفهوم نزدیکی به شبهه

«نزدیکی به شبهه» زمانی است که زن و مردی برخلاف واقع چنین پندارند که زن و شوهرند و در نتیجه ی این پندار نادرست با هم نزدیکی کنند. آنچه در بادی امر شگفت آور می نماید این است که چگونه ممکن است زنی مرد دیگر را به جای شوهر خود بگیرد و با او همبستر شود یا چطور می توان تصور کرد شوهری زن خود را شناسد و تماس با زن بیگانه او را از حقیقت آگاه نسازد؟

با وجود این، نزدیکی به شبهه را نباید امری دور از ذهن پنداشت. در جامعه ی کنونی کسی بیگانه را به جای همسر خود نمی گیرد، ولی امکان دارد که، در اثر اشتباه در اوصاف یا نسبت زن دیگری با خود یا به دلیل نداشتن علم به قانون، رابطه ی خود را با او مشروع پندارد، در حالی که قانون گذار آن دو را زن و شوهر نمی شناسد. این مثال ها حقیقت را روشن می سازد:

فرض کنیم برادر بزرگتری جلای وطن کند و سال ها از او خبری به دست نیاید و برادر کوچک تر ندانسته با دختر او ازدواج کند. این زوج یکدیگر را بیگانه می پندارند و خود را زن و شوهر تصور می کنند، در حالی که نکاح بین آن دو (عمو و برادرزاده) باطل است.

فرض دیگر: زنی از ظواهر امر چنین استنباط می کند که نامزد او مسلمان است، ولی بعدها معلوم می شود که یهودی است یا مذهبی ندارد. قانون نکاح این دو را باطل می داند، در حالی که زن گمان می کند شوهر کرده است.

در این دو فرض، علت اشتباه در وجود رابطه ی زناشویی جهل زن و شوهر یا یکی از آنان به موضوع خارجی بود. در بسیاری موارد علت جهل به قانون است:

زن و مردی دیگر حکم رضاع را نمی دانند و با این که خواهر و برادر رضاعی محسوب می شوند با هم پیمان زناشویی می بندند. دیگری نمی داند که اگر با زن شوهردار رابطه ی نامشروع برقرار کند، زن بر او حرام ابدی است؛ پس از جدایی از شوهرش با او ازدواج می کند و مثال بارزی برای نزدیکی به شبهه به وجود می آید.

از این گونه مثال ها زیاد است و قانون گذار به حسن نیت زن و شوهر نادان، احترام می گذارد و تا زمانی که به حقیقت پی نبرده اند آن دو را در حکم زن و شوهر می شناسد. این زناشویی حکمی، که وابسته به حسن نیت اشخاص است، درباره ی زن و شوهر جداگانه بررسی می شود. بنابراین، اگر هر دو در اشتباه باشند، رابطه ی جنسی نسبت به هر دو نفر نزدیکی به شبهه محسوب می شود و آثار نکاح درست بر آن بار است.^۱

قانون گذار مدنی در ماده ی ۱۱۵۷ لزوم نگاه داشتن عده را این گونه اعلام می کند که: «زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده ی طلاق نگاه دارد.»

۲. اثر عده ی نزدیکی به اشتباه

در این که نگاه داری عده ی نزدیکی به شبهه تا چه اندازه زن را در روابط زناشویی با دیگران محدود می کند اختلاف شده است:^۲

۲.۱. برخی گفته اند نگاه داری عده مانع از شوهر کردن زن نمی شود، البته شوهر نمی تواند با او نزدیکی کند.

۲.۲. جمعی دیگر شوهر کردن او را ممنوع دانسته اند، زیرا زن در زمان عده حق ندارد با مرد دیگری ازدواج کند.

۱ - ناصر کاتوزیان، همان، ص ۵۱۴ و ۵۱۵.

۲ - برای ملاحظه ی این عقاید رجوع شود به، محمد کاظم یزدی، همان، ص ۱۰۶.

۲.۳. بعضی پاسخ مسأله را منوط به این نکته ساخته اند که آیا «وطی به شبهه» در زمان نکاح تنها نزدیکی بین زن و شوهر را ممنوع می سازد یا روابط بین دو طرفین مؤثر باشد، ولی در فرض مرد عقد باطل است.

از جمع مواد ۱۱۵۰ و ۱۱۵۷ و قانون مدنی چنین برمی آید که نظر دوم را باید تأیید کرد و زنی را که به شبهه با دیگری هم بستر شده است در زمان عده ممنوع از ازدواج با دیگری نمود. و همان گونه که در عده ی طلاق نکاح دائم گفته شد، نکاح زن با مردی که به اشتباه با او نزدیکی کرده است هیچ منعی ندارد.^۱

ز. بررسی مسائل و شبهات مربوط به عده

سوال: آیا بر تمام زنان در هر شرایطی واجب است عده نگه دارند؟

جواب: نه، بر یک عده از زنان واجب نیست عده نگه دارند:

۱. زنان غیر مدخوله

هرگاه بین زن و شوهر آمیزش جنسی (اعم از قبل یا دبر) واقع نشده باشد و به دلیلی غیر از مرگ شوهر، ازدواج منحل گردد؛ عده بر زن واجب نیست، چنان که آیه ی شریف قرآن و روایات معتبر بر این مطلب دلالت دارند.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که زنان با ایمان را ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن

طلاق دادید عده‌یی برای شما بر آن‌ها نیست.»^۲

کلمه ی «تَمَسُّوهُنَّ» در جمله «مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ» کنایه از عمل زناشویی است. اگر چه ابوحنیفه

قائل است.^۳ که به معنای مطلق تماس یا خلوت با زوجه نیست.

۱ - ناصر کاتوزیان، همان، ص ۵۱۸.

۲ - احزاب (۳۳)، آیه ۴۹.

۳ - جمال الدین سیوری، همان، ص ۲۶۲.

همچنین غیر مدخوله به معنای باکره نیست، بلکه منظور زوجه یی است که شوهر بعد از وقوع عقد نکاح بدون نزدیکی، وی را طلاق دهد. مطابق ماده ی ۱۱۵۵ ق.م. بر غیر مدخوله وزنان یائسه (زنانی که قبل از آمیزش جنسی طلاق داده شده اند) عده واجب نیست و آنها بلافاصله پس از جدایی و انحلال نکاح می توانند ازدواج کنند. علت این امر نیز اطمینان از عدم وجود حمل است که احتمال آن در این قبیل زنان منتفی است، این گروه از زنان جزو زنان مطلقه به طلاق بائن هستند.^۱

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«هنگامی که مردی زنش را قبل از آمیزش طلاق دهد، عده یی بر آن زن نیست و اگر زن بخواهد، می تواند همان ساعت ازدواج کند و با یک طلاق جدا شود».^۲

از امام صادق (علیه السلام) درباره ی مردی پرسیدند: که همسرش را طلاق می دهد، بدون آن که با او آمیزش کرده باشد. امام فرمودند:

«از یکدیگر جدا می شوند و زن از همان ساعت (بدون عده) اگر خواست می تواند با مرد دیگری ازدواج کند».^۳

۲. زوجه ی صغیره

به اجماع فقهای امامیه، طلاق دختران نابالغ از انواع طلاق های بائن شمرده شده است.^۴ هر چند از روی عصیان عمل آمیزش نیز انجام شده باشد؛ زیرا در این مورد نیز احتمال حمل و اختلاط انساب وجود ندارد.^۵

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

۱ - جمال الدین سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، تهران: المکتبه المرتضویه، ص ۳۶۲.

۲ - محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ هـ ق، ص ۱۰۸.

۳ - زهرا گواهی، بررسی حقوق زنان در مسائل طلاق، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۴.

۴ - محمد حسن نجفی، همان، ج ۳۲، ص ۱۲۰.

۵ - هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ ششم، ج ۲، تهران: بعثت، ۱۴۱۶ هـ ق، ص ۳۷۵.

«سه گروه از زنان در هر حالی می توانند ازدواج کنند: اول کسی که عادت (حیض) نشده و مانند او نیز نمی شود، پرسیدم: حد آن چیست؟ فرمود: وقتی که کمتر از نه سال داشته باشد و...»^۱

ولی با این حال در ماده ی ۱۱۴۵ ق.م. طلاق زوجه ی صغیره در ردیف طلاق های بائن ذکر نشده است و به نظر می رسد این ماده باید اصلاح شود.

«چنین زنی لازم نیست عده ی نگه دارد، گرچه با او آمیزش شده باشد»^۲.

۳. زنان یائسه

در تعیین سن یائسگی میان فقها امامیه اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را ۶۰ سالگی و گروهی نیز ۵۰ سالگی دانسته اند.^۳ قول مشهور فقهاء به استناد روایات معتبر برای، سن زنان قریشی و غیر آن تفکیک قائل شده اند وحدّ یاس را در زنان قریشی ۶۰ سالگی و غیر آن را ۵۰ سالگی شمرده اند.^۴

براساس این نظریه چنان چه انتساب زن به قریش ثابت نباشد، اصل عدم انتساب است و در نتیجه سن یائسگی برای آن زن ۵۰ سالگی است.^۵

به عقیده ی مشهور فقهای امامیه بر زن یائسه عده نیست. در مقابل، برخی از فقهای امامیه و تمام فقهای اهل سنت معتقدند: «عده ی طلاق زنان یائسه، سه ماه است»^۶. دلیل ایشان، ظاهر آیه ی قرآن است:

«وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ»^۷

-
- ۱ - محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۹.
 - ۲ - محمد باقر مجلسی، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق هاشم رسولی محلاتی چاپ سوم، ج ۲۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰، ص ۱۵۰.
 - ۳ - محمد حسن نجفی، همان، ج ۳۲، ص ۱۲۰.
 - ۴ - محمد فاضل موحّدی لنکرانی، همان، ص ۳۲۵.
 - ۵ - محمد سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار المتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق، ص ۶۳.
 - ۶ - مرتضی علم الهدی، انتصار، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ه، ص ۳۳۴.
 - ۷ - طلاق (۶۵)، آیه ۴.

«زنانی از شما که از عادت ماهانه مایوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عده آنان سه ماه است، و همچنین آنها که عادت ماهانه ندیده‌اند».

در این که منظور از جمله «إِنْ ارْتَبْتُمْ» (هرگاه شک و تردید کنید) چیست؟ سه احتمال ذکر شده است:

احتمال اول اینکه: منظور احتمال و شک در وجود «حمل» است، به این معنی که اگر بعد از سن یائسگی (سن پنجاه سالگی در زنان عادی و شصت سالگی در زنان قریشی) احتمال وجود حمل در زنی برود باید عده نگه دارد، این معنی هر چند کمتر اتفاق می‌افتد ولی گاه اتفاق افتاده است (توجه داشته باشید که واژه «ریبه» به معنی شک در حمل در روایات و کلمات فقهاء مکرراً آمده است).

احتمال دوم اینکه: منظور زنانی است که به درستی نمی‌دانیم به سن یائسگی رسیده‌اند یا نه؟ احتمال دوم اینکه: منظور شک و تردید در حکم این مسأله است، بنابراین آیه می‌گوید اگر حکم خدا را نمی‌دانید، حکم خدا این است که چنین زنانی عده نگه دارند. البته از همه ی این تفسیرها مناسب تر تفسیر اول است، زیرا ظاهر جمله «وَاللَّائِي يَئْسَنَ...» این است که این زنان به سن یاس رسیده‌اند، در ضمن هرگاه زنانی بر اثر بیماری ها یا عوامل دیگر، عادت ماهانه آنها قطع شود، مشمول همین حکم هستند، یعنی باید سه ماه عده نگه دارند (این حکم را از طریق قاعده اولویت و یا مشمول لفظ آیه می‌توان استفاده کرد)^۱

جمله «وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ» (زنانی که عادت ماهانه ندیده‌اند) ممکن است به این معنی باشد زنانی که به سن بلوغ رسیده‌اند اما عادت نمی‌بینند، در این صورت بدون شک باید سه ماه عده نگه دارند، احتمال دیگری که در تفسیر آیه داده‌اند این است که کلیه زنانی که عادت ندیده‌اند خواه به سن بلوغ

۱- البته مشهور در میان فقها این است که زن هنگامی که به سن یاس برسد، مطلقاً عده ندارد، ولی در مقابل این قول، تعداد کمی از قدمای اصحاب، معتقد به عده هستند، و بعضی از روایات نیز شاهد بر آن است، هر چند روایات دیگری با آن معارضه می‌کند، آن چه با ظاهر آیه فوق، موافق است، این است که آنها در صورت احتمال حمل، عده دارند، شرح بیشتر در باره این موضوع را در کتب فقهی باید مطالعه کرد.

رسیده باشند یا نه باید عده نگه دارند؟. مشهور در میان فقهای ما این است که هرگاه زن به سن بلوغ نرسیده باشد بعد از طلاق عده ندارد، البته این مسأله مخالفینی دارد که به بعضی از روایات در این زمینه استدلال کرده‌اند، و ظاهر آیه فوق نیز با آنها موافق است.^۱

از شأن نزولی که برای آیه ی اخیر ذکر شده است نیز تفسیر فوق استفاده می‌شود و آن این که «ای بن کعب» به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد که عده بعضی از زنان در قرآن نیامده است، از جمله زنان صغیره و زنان کبیره (یائسه) و باردار، آیه فوق نازل شد و احکام آنها را بیان کرد. در ضمن عده در صورتی است که احتمال حمل درباره او برود، زیرا در آیه فوق عطف بر زنان یائسه شده است، و مفهومی این است که حکم هر دو یکسان می‌باشند.^۲

از امام صادق (علیه السلام) راجع به معنای «ربیه» در آیه ی شریفه سوال شد، امام علیه السلام فرمودند: «هرگاه خون حیض بیش از یک ماه و بیشتر قطع شود این ربیه است و باید سه ماه عده نگاه دارد...»^۳

برخی فقها بر آیه ی فوق برای اثبات عدم لزوم عده ی زن یائسه و صغیره به روایات دیگری استناد کرده اند. همانند صحیح «حماد بن عثمان» که از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: از امام سؤال کردم درباره ی زنی که از قاعدگی ناامید شده و زنی که همسالانش عادت نمی شود، امام فرمودند: عده بر او نیست.^۴

۱- ناصر مکارم شیرازی و جمعی دیگر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.

۲ - مجمع البیان فی التفسیر القرآن می گوید: «تقدیره و اللائی لم یحضن ان ارتبتم فعدتهن ایضا ثلاثة اشهر.» (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، ص ۴۶۱)

۳- ابو جعفر بن الحسن طوسی، المبسوط فی فقه الامیه، ج ۱۵، چاپ سوم، تهران: حیدریه، بی تا، ص ۴۱۰.

۴ - هاشم بحرانی، همان، ج ۲، ص ۳۷۶.

بنابراین بر زنان مطلقه‌یی که مثل آنها عادت نمی‌شوند، عده واجب نیست. شایان ذکر است که عنوان «زنی که از قاعدگی ناامید شده و زنی که همسالانش عادت نمی‌شود» دارای سه مصداق خارجی است:

دختر صغیره‌یی که به سن قاعدگی نرسیده است، زنانی که سال‌های قاعدگی را سپری کرده‌اند و به سن یائسگی رسیده‌اند، زنان نازایی که فاقد رحم هستند که امثال و مشابه آنان نیز حائض و حامل نمی‌شوند.

آیا بر این قبیل زنان پس از طلاق با انحلال نکاح، عده واجب است؟ اگر واجب است، مقدار آن چه اندازه می‌باشد؟ بدیهی است در صورت مثبت بودن پاسخ، هرگاه در مورد خاصی (مانند زنان فاقد رحم) دلیلی بر لزوم عده یا نفی آن در دست نباشد باید به استناد قاعده مزبور عده واجب باشد و چون در این مورد اعتداد به عادت ماهانه امکان‌پذیر نیست ناچار عده‌ی این قبیل زنان چنانچه برخی از فقها معتقدند، باید بر حسب شهر انجام گیرد.^۱

بخش دوم: فصل دوم

فصل دوم: فلسفه و حکمت عده

الف. فلسفه و حکمت عده

۱. جلوگیری از اختلاط نسب

۲. امکان رجوع شوهر در طلاق رجعی

۳. حفظ حیات و حمایت از جنین

۴. احترام به شوهر در فوت

۵. اطمینان از برائت رحم

۶. رعایت بهداشت جسمی و روحی طرفین

۷. مانع هرج و مرج در جامعه

۸. بالا رفتن جایگاه ارزشی زن

۹. به عنوان حرفه و پیشه تبدیل نشدن

گاهی ممکن است پرسیده شود که علت وضع فلان حکم شرعی چیست؟ چرا ما باید حتماً نماز بخوانیم و علت تامه ی قرار دادن این تکلیف - مثلاً - بر ما چیست؟ عالم دینی در پاسخ به این پرسش می گوید: علت - به معنای عقلی آن - همه ی احکام شرعی و الهی و واضح آن ها اراده ی خداوند است. اراده و کراهت و حب و بغض الهی در مراتب مختلف باعث پیدا شدن احکام خمسۀ تکلیفی یعنی وجوب، استحباب، اباحه، کراهت و حرمت می شود. تا اراده قطعی و لایتحلف الهی بر انجام عمل نماز از سوی بندگان وجود دارد، حکم وجوب نماز و این معلول هم باقی است. بنابراین علت تمام احکام دینی، خواست خالق عالمیان است.

در این جا این بحث از سوی دانشمندان اسلامی مطرح شده است که چون خداوند متعال، عالم و حکیم علی الاطلاق است و کاری لغو و گزاف از او سر نمی زند، قطعاً تمام فرامین الهی دارای مصلحت یا مفسده ی متناسب با آن است. به این جهت گفته اند تمام واجبات و مستحبات الهی دارای مصلحت و تمام محرمات و مکروهات الهی دارای مفسده، و مباحات شرعی نیز حد متوسطی از مصلحت و مفسده را واجدند و یا نه مصلحتی و نه مفسده ای دارند.

این است که اصولیون - و همچنین متکلمین - می گویند که چون احکام شرعی تابع و دائر مدار حکمت ها و مفسده ها است، خواه آن مصالح و مفاسد مربوط به جسم باشد یا به جان، مربوط به فرد باشد یا اجتماع، مربوط به حیات فانی باشد یا به حیات باقی، هر جا که آن حکمت ها وجود دارد، حکم شرعی مناسب هم وجود دارد، و هر جا که آن حکمت ها وجود ندارد، حکم شرعی هم وجود ندارد.^۱ لازم به ذکر است توجه افراطی به دانستن فلسفه ی احکام در مواردی موجب از دست دادن فلسفه ی اساسی و بنیادین آن یعنی پرورش روح تعبد و سرسپاری در پیشگاه خالق یکتا می شود و نظر آدمی را به جای توجه به خالق به کارکردهای جزئی معطوف ساخته و گرفتار نوعی شرک می سازد. از این رو شارع مقدس نیز به بیان فلسفه ی همه ی احکام الهی نپرداخته است و تنها به نقل پاره یی از آنها

۱- محمد وحیدی، فلسفه و اسرار احکام، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۸، ص ۳۲۵.

اشاره کرده است، لیکن به طور کلی این مسأله را گوشزد نموده است که وضع همه ی این احکام به سود انسان و برای خیر و سعادت ابدی اوست.

به هر صورت درباره ی فلسفه ی احکام علاوه بر منافع و ضررهای مادی و جسمی باید به آثار مثبت و منفی آن بر «روح و معنویت» انسان دقت نمود و علاوه بر جنبه ی فردی باید به تأثیر آن در هنجار یا ناهنجاری اجتماع نیز توجه کرد و از آن جا که ابعاد سه گانه «جسمی و روحی و اجتماعی» آدمی رابطه ی ارگانیک و به هم پیوسته با یکدیگر دارند و از آن جا که آخرت انسان جدا از دنیای او نیست، «احکام الهی» با توجه به تمامی این جوانب تشریع شده است. از این رو در فلسفه ی احکام باید با نگاهی گسترده به تمام ابعاد انسان و زاویه های آشکار و پنهان آن نظر افکند تا در انتخاب زیبایی ها و راه های آرامش و آسایش دچار خطا نگردیم.

در این جا بعد از توضیحاتی که در مورد فلسفه و حکمت داده شد می خواهیم بدانیم که آیا ننگه داشتن عده یک حکم از طرف خداست یا حکمی است که بر اساس مصالح یک جامعه وضع شده است، با گذشت زمان و به دست قانون گذاران بر اساس مصلحت جامعه، آیا قابل تغییر است؟

الف. فلسفه و حکمت عده

اصل تشریع عده به علت منصوص بودن آن در قرآن بدون شک و شبهه مورد اجماع فقها و حقوق دانان می باشد. به همین دلیل در بسیاری از منابع، عده را مفهومی مسلم دانسته و به فلسفه تشریع آن نپرداخته اند. قرآن کریم، فلسفه ی عده را ظهور تکوینی جنین در رحم و فراهم کردن امکان بازگشت شوهر به زن در طلاق رجعی بیان نموده است.^۱ تصریح قرآنی عده، موجب شده است که برخی فقها نگهداری عده از انحلال نکاح توسط زن را امری تعبدی دانسته اند و در هر حال رعایت آن را واجب می دانند. بنابراین در تبیین حکمت تشریع عده دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: این که عده دارای علت خاص بوده است و بنا به تصریح قرآنی اطمینان از برائت رحم می باشد. طبق این دیدگاه چنان چه با روش هایی مانند آزمایش های بارداری معلوم شود که حملی در میان نیست، عده منتفی می شود. این دیدگاه طرفداران کمی دارد.

دیدگاه دوم: این که عده در همه ی موارد تعبدی است، اگر چه برخی از حکمت های عده تبیین شده است؛ ولی باید به آن متعبد بود.^۱

در تبیین فلسفه عده می توان به امور ذیل اشاره نمود:

۱. جلوگیری از اختلاط نسب

مهمترین و بدیهی ترین علت نگهداشتن عده برای زنی که رابطه ی زوجیت وی منحل شده است، جلوگیری از اختلاط نسب است.^۲ زنی که از نکاح به جهت فوت شوهر یا طلاق از او خارج می شود؛ برای اطمینان پاکی رحم از جنین، به مدت معینی، از ازدواج خودداری می کند تا از اختلاط نسب پیشگیری شود.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «عده ی زن مطلقه سه حیض یا سه ماه است، به جهت اطمینان پاکی رحم از طفل»^۳

برائت زن یائسه، زوجه صغیره و زن غیر مدخوله از نگهداری عده نیز در همین راستا قابل تبیین می باشد. این حکم را ممکن است به زنان فاقد رحم نیز، به دلیل عدم امکان پیدایش طفل در این گونه زنان انتقال داد.^۴

۱- صدوق، علل الشرایع، ج ۲، بیروت: دارالحیاء التراث وموسسه الوفاء، ۱۳۸۵، ص ۵۰۸.

۲- حسین صفایی، مختصر حقوق خانواده، ج ۱۶، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶.

۳- صدوق، همان، ج ۲، ص ۵۰۸.

۴- علی علوی قزوینی، انواع عده و وضعیت زنان فاقد رحم، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۷۸، ص ۷.

اگر چه اصل تشریع عده به دلیل مستندات قرآنی قطعی و مسلم است؛ لیکن با توجه به اطمینان از پاکی رحم که دلیل اصلی تشریع عده می باشد، هیچ یک از فقها و حقوق دانان به این سؤال، پاسخی نداده اند و آن را از امور تعبدی تلقی نموده اند و به بحث در این گونه موارد نپرداخته اند. از طرف دیگر اینکه، با پیشرفت علمی و پزشکی و با عنایت به این که با انجام آزمایشات پزشکی و سایر شیوه های علمی حصول اطمینان از براءت رحم امکان پذیر می باشد، آیا هنوز رعایت عده واجب و لازم است؟ فقها در این خصوص پاسخی نداده اند و هنوز قوانین ایران فرض را بر تعبدی بودن این گونه امور مبنا قرار داده اند و به همین طریق قانون تدوین شده است.

۲. امکان رجوع شوهر در طلاق رجعی

عده ی طلاق مهلتی برای تفکر و بازگشت به زندگی خانوادگی می باشد، گاهی در اثر عوامل مختلف زمینه ی روحی زوجین به وضعیتی می رسد که با یک اختلاف جزئی و نزاع کوچک حس انتقام جویی آن چنان شعله ور می شود که فروغ عقل و وجدان خاموش شده و به تفرقه می انجامد؛ متأسفانه بیشتر جدایی ها در همین حالات رخ می دهد، لذا اسلام به لحاظ اهمتامی که به حفظ کانون خانواده دارد با نهادن این زمان، به زن و شوهر اجازه داده است تا، درباره ی کانون خانوادگی و سرنوشت فرزندانشان خوب بیندیشند و قانون گذار به شوهر امکان داده است در صورت پشیمانی از جدایی رابطه ی زناشویی، با رجوع خود، اثر طلاق را از میان ببرد و زندگی مشترک را از سر گیرد.^۱

خداوند حکیم می فرماید:

«وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا...» شوهران آنان نسبت به بازگشت سزاوارترند، اگر نیت

خیر و اصلاح دارند.^۲

به همین سبب است که زن در طلاق رجعی مستحق نفقه می باشد و در این راستا به مرد امر شده

است که زن را در خانه ی خود نگه دارد. در آیه دیگر می فرماید:

۱ - حسین صفایی، همان، ص ۱۰۷ و ۱۰۶.

۲ - بقره (۲)، آیه ۲۲۸.

«لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ...»^۱ آنان را از خانه هایشان خارج

نکنید شاید خداوند گشایشی نموده و بین آنان صلح شود.»

۳. حفظ حیات و حمایت از جنین

زنی که در حین طلاق یا فوت شوهر حامله باشد، باید تا وضع حمل فرزندی، عده نگه دارد. در خصوص حامل بودن زن، مدت عده در موارد طلاق و فوت شوهر متفاوت است و به نظر می رسد در طلاق، فلسفه ی عده حفظ حیات کودک از آسیب هایی است که شاید در اثر ازدواج توسط شوهر جدید به زن وارد شود، مانند اجبار به سقط جنین، لذا در عده وفات به زن حامله، اجازه ی ازدواج مجدد، قبل از چهار ماه و ده روز، حتی در صورت وضع حمل، داده نشده است. بنابراین لزوم نگه داری عده توسط زن در فوت شوهر تابع فلسفه دیگری می باشد که در ادامه بیان می شود.^۲

در این جا ممکن است بعضی از افراد سؤال کنند که: امروزه از نظر پزشکی امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی نظیر سونوگرافی وجود دارد که در کوتاه ترین زمان می توان به طور قطع، یقین حاصل نمود که زنی در اثر همبستری و نزدیکی باردار شده است یا خیر؟ حال با چنین فرضی، آیا مدت عده ی طلاق همان است که قبلاً در احکام آورده شده است، یا قابل تغییر می باشد؟ و آیا زن در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه، می تواند قبل از سپری شدن ایام عادت اقدام به ازدواج کند؟

در پاسخ باید گفت که عده در واقع حریم زوجیات است و فلسفه و حکمت آن منحصر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین دلیل اگر مرد سال ها جدا از زن خود زندگی کند یا در مسافرت باشد بعد از طلاق، عده بر زن غیر یائسه واجب است.^۳

۴. احترام به شوهر در فوت

۱ - طلاق (۶۵)، آیه ۱.

۲ - حسین صفایی، همان، ص ۱۰۷.

۳ - محمد وحیدی، همان، ص ۳۳۵.

عده ی وفات از دو جهت با عده ی طلاق متفاوت است: از نظر مدت، از عده ی طلاق طولانی تر است و از نظر مصداق شامل زنان یائسه و غیر مدخوله که عده ی طلاق بر آن ها واجب نیست؛ می شود. به نظر می رسد ماهیت و فلسفه ی عده ی وفات با عده ی طلاق متفاوت باشد. هدف از تشریع عده وفات معلوم شدن وضعیت حمل زن نیست؛ بلکه حفظ حرمت و وفاداری زن به زندگی زناشویی با مرد است. لذا ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا حفظ احترام زن پس از فوت بر شوهر واجب نشده است. در این صورت برای مرد نیز ازدواج مجدد در این مدت باید ممنوع اعلام می شد. پاسخ به این سؤال در منابع فقهی داده نشده است و برخی متأخرین تنها به فلسفه ی وجوب حرمت زندگی زناشویی توسط زن اشاره کرده اند. علامه طباطبایی دلیل این امر بر زوجه را رعایت جانب حیا، عفاف و حفظشان می داند.^۱ هم چنین در مورد طولانی تر بودن مدت عده ی وفات بر طلاق، شیخ صدوق تشریع این مدت را حداکثر زمانی می داند که زن تحمل ترک آمیزش را دارد و تحمل و بردباری عمده زنان پس از چهار ماه به سر می آید.^۲

عدم وجوب عده ی وفات بر مردان شاید مبتنی بر این دیدگاه باشد که عمده مردان پس از فوت همسر تحمل ترک آمیزش را ندارند و در فاصله ی کوتاهی نیاز به ازدواج مجدد پیدا می کنند. این دیدگاه نیازمند تأمل و تحقیق می باشد، لیکن وجوب صبر کردن مردان پس از فوت همسر قبل از ازدواج مجدد، از لحاظ اخلاقی، مطلوب و پسندیده به نظر می رسد.

برخی حقوق دانان در مورد عده ی طلاق نیز احترام به زندگی زناشویی را به عنوان دلیل ذکر کرده اند.^۳

چنان چه احترام به زندگی زناشویی از دلایل وجوب عده بر زن باشد، این سؤال مطرح می شود که چرا مدت عده ی طلاق اعم از نکاح دائم (سه طهر)، نکاح منقطع (دو طهر) و عده ی وفات (چهار

۱ - محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵، ص ۳۶۴.

۲ - صدوق، همان، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳ - حسین صفایی، همان، ص ۱۰۶.

ماه و ده روز) متفاوت اعلام شده است. آیا حفظ حرمت زندگی زناشویی در طلاق از اهمیت کمتری نسبت به فوت شوهر برخوردار می باشد؟

برخی در بیان تفاوت مدت عده در مورد نکاح دائم و منقطع اظهار می کنند: در نکاح دائم به علت پایداری آن مدت عده طولانی تر و در نکاح منقطع به علت موقت بودن زندگی زناشویی از احترام کمتری برخوردار است. و در مورد تفاوت مدت عده بین طلاق و فوت شوهر دلیلی ارائه نشده است. شاید بتوان ادعا نمود زندگی زناشویی که به درخواست مرد یا زن با طلاق گسیخته شده است، از حرمت کمتری برخوردار است، لیکن در فوت، زندگی زناشویی تداوم داشته و تحقق مرگ از خواست زن خارج بوده است، لذا فرض بر این است که زن ادامه آن زندگی را طالب و خواهان بوده است و برای از دست دادن آن حرمت بیشتری قائل می باشد.^۱

۵. اطمینان از برائت رحم

برخی فقهای امامیه عده را، حتی در مواردی که زن از عدم وجود فرزند در رحم اطمینان دارد، واجب می دانند. محدث بحرانی در تعریف عده آورده است:

«زن عده نگه می دارد تا از پاک بودن رحمش از حمل آگاهی یابد یا اساساً از باب تعبد عده نگه می دارد.»^۲

این فلسفه ناظر به احکامی است که با فلسفه ی اصلی عده که همان برائت رحم می باشد، متناقض است، مانند موردی که نگه داری عده ی طلاق بر زنی که با او از دبر آمیزش شده است را واجب می داند.

نتیجه ی فلسفه ی عده این است که اصل لزوم نگه داری عده در طلاق، به دلیل اطمینان از برائت رحم و فراهم شدن امکان رجوع مرد به زن در طلاق رجعی، با نص صریح قرآنی مسلم و قطعی می

۱ - همان.

۲ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق و تعلیق محمود قوچانی، ج ۳۲، تهران:

دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲.

باشد. سایر علل بیان شده در خصوص طولانی تر بودن مدت عده ی وفات نسبت به عده ی طلاق، تفاوت در مدت عده ی طلاق ناشی از نکاح دائم یا منقطع، لزوم نگه داری عده ی وفات بر زنان یائسه و غیر مدخوله، وجوب نگه داری عده ی طلاق توسط زنی که آمیزش با او از طریق دبر بوده، با مراجعه به برخی روایات یا نظریه ی حقوق دانان مورد توجیه و تبیین قرار گرفته است و تحقیق و بررسی عمیق تری را می طلبد.

۶. رعایت بهداشت جسمی و روحی طرفین

چنانچه می دانیم بسیاری از بیماری های خطرناک در اثر مقاربت حاصل می گردد و عده، خود به منزله ی قرنطینه ایی برای پیشگیری از آن به شمار می رود. موضوع بهداشت روانی نیز مسئله ی جدی است؛ چرا که ارتباطات جنسی بدون فاصله ی زمانی، زیان های روحی شدیدی را از نظر فردی و اجتماعی وارد می سازد که بر متخصصان مسائل اجتماعی پوشیده نیست.^۱

۷. بالا رفتن جایگاه ارزشی زن

بدیهی است خدای متعال در تشریع احکام، کرامت و شخصیت انسان را در نظر داشته - چه شخصیت فردی و چه اجتماعی - بنابراین، ممکن است این مسئله (نگه داشتن عده) ناظر به حکم این چنینی باشد؛ یعنی در نظر گرفتن شخصیت و کرامت انسانی زن در جامعه به عنوان یک انسان و عدم نگاه به او به عنوان یک کالا می باشد.

رعایت این مقررات خود موجب بالا رفتن جایگاه ارزشی زنان در جامعه بشری است؛ چرا که دین اسلام به زن به عنوان یک کالای مصرفی و بی ارزشی که هر لحظه مردان هوسران اراده کنند در اختیار آنان باشد نگاه نمی کند. نگه داشتن عده به زن ارزش و شخصیت می بخشد.^۱

۱- در گاه پاسخ گویی به مسائل دینی، نوشته شده مجید کمالی. <http://islampedia.ir/fa/1390/02>.

۸. به عنوان حرفه و پیشه تبدیل نشدن

شاید بتوان گفت یکی از مهمترین عوامل در ازدواج موقت باعث می شود که با نگه داشتن این مدت، این عمل به عنوان شغل و حرفه برای بعضی از زنان سود جو تبدیل نشود و مردان بی خبر از همه جا، در دام این زنان قرار نگیرند.^۲

این ها تنها بخشی از حکمت های وجوب نگه داشتن عده است که تاکنون برای ما روشن شده است، اما به یقین این حکم خداوند علیم و حکیم همانند دیگر احکام او دارای حکمت ها و منافع دیگری می باشد که خداوند در آن قرار داده است.

۱ - همان.

۲ - درگاه پاسخ گویی به مسائل دینی، نوشته شده مجید کمالی.

بخش دوم: فصل سوم

فصل سوم: احکام مربوط به عده

الف. نفقه زوجه

۱. نفقه در طلاق رجعی زوجه

۲. طلاق بائن و فسخ ازدواج

۳. وفات زوج

ب. بررسی مسائل و شبهات مربوط به این قسمت

۱. صور مختلف ازدواج در زمان عده

۱.۱. عالم به عده و حرمت

۲- ۱. جهل به عده و حرمت

۳- ۱. یکی عالم و دیگری جاهل به عده و حرمت

یکی از مزایای مهم فقه اسلامی، واقع نگری است. اسلام، دین زندگی است و در اندیشه جهانی خود برنامه های عملی تمام انسان ها را تهیه دیده است. بنابراین هم به خصوصیت فردی انسان توجه دارد که از نقص به سوی کمال در حرکت است، غرایز مختلف دارد و با عوامل پیرامون مرتبط و از آنها متأثر است، و هم به واقعیات اجتماعی او توجه نموده است.

اگر احکامی را تشریع می کند از جنبه های گوناگون به آن توجه دارد. اگر عده را برای زنان تشریع نمود مسائل مربوط به آن نیز مورد توجه است مثل بحث نفقه زن، که در این زمینه و دستوراتی را داده است تا زن در تنگنا و عسر و حرج قرار نگیرد.

در این فصل بر آنیم تا بیان نماییم برخی از احکامی که برای زن در حال عده پیش می آید از جمله این که آیا نفقه ی انواع انحلال نکاح بر زوج است یا بر زوجه و یا بر غیر آن (قیم یا وکیل) می باشد. و صور مختلف ازدواج در زمان عده چگونه است. در این راستا با تمسک به قرآن و احادیث، نظر اندیشمندان، فقهای و عالمان دینی را بیان می نماییم. احکام عده بنابر نوع عده متفاوت است که قدر متیقن همه آن ها این موارد است:

الف. نفقه زوجه

رابطه ی زوجیت به سه شکل ممکن است، خاتمه پذیرد.

۱. طلاق رجعی

مرد در مدت عده، حق رجوع به زوجه را دارد.

۲. طلاق بائن و فسخ ازدواج

(با استفاده از خيارات فسخ) زوج در مدت عده، حق رجوع به زوجه را ندارد.

۳. وفات زوج

در مواردی، امکان پرداخت نفقه از اموال وی هست.^۱

۴. نفقه ی عده ی طلاق رجعی

«أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ...»^۲ آن ها (زنان مطلقه) را هر جا

خودتان سکونت دارید، و در توانایی شما است، سکونت دهید، و به آن ها زیان نرسانید ...»

مقدس اردبیلی ذیل این آیه، اجماع بر وجوب نفقه ی زوجه، در عده ی رجعیه دارد:

«يجب اسكان الزوجه حال الزوجيه او بعد الطلاق الرجعي في العده، و دل اجماع اهل البيت و

اخبارهم...»^۳

شیخ طوسی در مبسوط درباره ی مسئله بالا می گوید: زنی که در عده ی رجعیه است، مستحق

نفقه و مسکن است.^۴

علاوه بر اجماع منقول، در مسأله ی فوق، اجماع محصل نیز حکم به وجوب نفقه در زمان عده ی

رجعیه می کند و نظریه ی مخالفی نیز مشاهده نشده است.^۵

در این زمینه اجماع کنندگان، به آیات و روایات استناد کرده اند. زراره از امام پنجم (علیه السلام) نقل

می کند که آن حضرت فرمودند:

۱ - محمدباقر مجلسی، مراه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، هاشم رسولی محلاتی، ج ۲۱، تهران: دارالکتب

الاسلامیه، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۰.

۲ - طلاق (۶۵)، آیه ۶.

۳ - احمد بن محمد مقدس اردبیلی، همان، ص ۵۳۹.

۴ - ابوجعفر بن الحسن طوسی، المبسوط فی فقه الامیه، ج ۵، چاپ سوم، تهران: حیدریه، بی تا، ص ۲۱۱.

۵ - روح الله خمینی، همان، ج ۲، ص ۳۱۴.

«زنی که سه طلاقه شده است، مستحق نفقه نیست (زیرا در عده ی بائن به سر می برد) بلکه نفقه برای زنی

است که در عده ی رجعیه است.»^۱

همان طور که تذکر داده شد، قانون مدنی ایران نیز در ماده ی ۱۱۰۹، زوجه را در عده ی رجعیه

مستحق نفقه می داند.^۲

ضمن اینکه یک مورد را استثناء می کند: «... مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد

...»

استثنای دیگری را نیز باید افزود و آن موردی است که زوجه در عده ی رجعیه، ناشزه شود؛

زیرا عده ی رجعیه، مانند زمان ازدواج است، همان طور که در زمان ازدواج، اگر زن ناشزه شود، نفقه

اش ساقط است، در عده ی رجعیه نیز اگر ناشزه شود، نفقه اش ساقط می گردد و البته نشوز در زمان

عده، معنای محدودتر دارد و عرف و عادت نیز زنی را که در زمان عده ی رجعی است، مانند زن

شوهردار، موظف به رعایت کامل اراده ی شوهر در زندگی نمی داند.^۳

۲. نفقه در عده ی طلاق بائن و فسخ

در مبحث نفقه، دو مبحث مطرح است زن حامله است یا غیر حامله:

۲.۱. نفقه ی زن غیر حامله

۱ - محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۲۳۲.

۲ - ماده ی ۱۱۰۹ قانون مدنی: «نفقه ی مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده ی شوهر است مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد، لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد شد».

۳ - برای آگاهی بیشتر، حقوق مدنی خانواده کاکتوزیان مطالعه شود.

در زمان طلاق بائن و یا فسخ ازدواج، نفقه به اجماع، ساقط است؛ زیرا پیوند زناشویی بریده شده است و شوهر موظف به تأمین مخارج زوجه نیست. برخلاف عده ی رجعیه که هنوز علقه های زوجیت برقرار است و هر لحظه شوهر می تواند به زوجه رجوع کند.

روایات متواتری نفقه را در مورد فوق ساقط می دانند و از امام پنجم (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند:

«زوجه ای که در طلاق سوم (که طلاق بائن است) به سر می برد، مستحق نفقه از شوهرش نیست، بلکه نفقه فقط برای زوجه ای است که در عده ی رجعیه به سر می برد»^۱

شخصی از امام ششم (علیه السلام) می پرسد که آیا زن مطلقه ثلاثه مستحق، نفقه و مسکن هست؟ حضرت پاسخ منفی می دهند:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُطَلَّقةِ ثَلَاثًا عَلَى السُّنَّةِ هَلْ لَهَا سُكْنَى أَوْ نَفَقَةٌ قَالَ لَا»^۲

فاضل مقداد ذیل آیه ی «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ» می نویسد:

آیه ی فوق، هر چند مسکن را برای مطلقه ها بدون فرق بین رجعیه و بائن لازم می داند، ولی روایات، مطلقه ی بائن را خارج کرده است و فقط رجعیه تحت عموم آیه باقی می ماند.^۳

قانون مدنی نیز در ماده ی ۱۱۰۹ زنی را که در عده ی بائن و یا فسخ باشد، مستحق نفقه نمی داند: «... لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد...»

۱ - محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۴، ص ۲۳۲.

۲ - محمد بن الحسن طوسی، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، چاپ چهارم، ج ۸، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۳۳.

۳ - جمال الدین سیوری، همان، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲.۲. نفقه ی زن حامله

طبق روایات بسیاری، زوجه ای که در عده ی بائن است، در صورتی که حامله باشد، مستحق نفقه

است. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که:

«الحبلى المطلقة ینفق علیها حتى تضع حملها؛^۱ زن آبستن که در طلاق به سر می برد، تا هنگام

وضع حمل، مستحق نفقه است.»

روایت فوق بدون تفصیل بین طلاق رجعی و بائن، زن آبستن را مستحق نفقه دانسته است. پس زن

آبستن در عده ی بائن، مستحق نفقه است.

شخصی می گوید: «از امام درباره ی مطلقه ی ثلاثه (بائن) پرسیدم که آیا مسکن و نفقه دارد؟

حضرت فرمودند: آیا آبستن است؟ عرض کردم خیر. حضرت فرمودند: نفقه و مسکن ندارد.»

از مفهوم مخالف روایت فوق استنباط می شود که اگر آبستن بود، مستحق نفقه می باشد، و گر نه

پرسش حضرت، بی مورد و لغو می شد.

البته روایاتی نیز به طور مطلق، در عده ی بائن، زوجه را مستحق نفقه می دانند؛ مانند این که از امام

ششم (علیه السلام) درباره ی طلاق مطلقه سؤال می شود که آیا در عده مستحق نفقه و مسکن هست؟

حضرت پاسخ مثبت می دهند:

«عن المطلقة ثلاثاً علی المده لها سکنی أو نفقه؟ قال: نعم».^۲

شیخ طوسی روایات فوق را دال بر مستحب بودن نفقه به زوجه ی حامله در عده ی بائن می داند.^۳

۱ - محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۲۳۱.

۲ - محمد بن الحسن طوسی، همان، ص ۱۳۳.

۳ - محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۸، باب عده.

در روایت دیگری شخصی از امام هفتم (علیه السلام) می پرسد که آیا مطلقه تا پایان عده حق نفقه

دارد؟ حضرت پاسخ می دهند:

« وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُطَلَّقةِ، لَهَا نَفَقَةٌ عَلَى زَوْجِهَا حَتَّى تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا؟ قَالَ: «نَعَمْ»^۱

البته روایات فوق، مطلق است و همه ی مطلقه ها را شامل می شود. بنابراین، ناچاریم یا نظریه ی

شیخ طوسی را بپذیریم و در مورد بائن حامله، نفقه را مستحب بدانیم یا روایات فوق را حمل بر عده ی

رجعیه کرده و یا با زن حامله ای که عده ی بائن به سر می برد و نفقه را واجب بدانیم.

ذکر این نکته ضروری است که بر وجوب نفقه ی زن آبستن، حتی در عده ی بائن، اجماع محصل

و منقول داریم.^۲

قانون مدنی ایران نیز در ماده ی ۱۱۰۹ از این اجماع و روایات پیروی کرده است:

«... لیکن اگر عده ی از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد مگر در صورت

حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل نفقه خواهد داشت.»

حقوق دانان می گویند: قید «از شوهر خود» برای احتراز از موردی است که زن مطلقه، حامل از

شبهه یا از زنا باشد.^۳

۳. نفقه در وفات زوج

۱- عبد الله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد (ط الحدیث)، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۳ ق،

ص ۲۵۴.

۲- جمال الدین سیوری، همان، ص ۵۳۹.

۳- حسن امامی، همان، ج ۴، ص ۴۳۸.

در باب نفقه زنی که شوهر مرده است بر دو قسم تقسیم می شود زنی که غیر حامله است و زنی که حامل است:

۳.۱. نفقه ی زن غیر حامله

قانون مدنی در ماده ی ۱۱۱۰ به طور مطلق، زن را در عده ی وفات، مستحق نفقه نمی داند:

«در عده ی وفات، زن حق نفقه ندارد.»

قدر یقین این حکم، در مورد زوجه ی غیرحامله است. زوجه ی حامله را در ادامه بررسی می کنیم.

۳.۲. نفقه ی زن حامله

در این مورد، دو دسته روایات داریم:

دسته اول، روایاتی که نفقه را واجب نمی دانند.

از امام صادق (علیه السلام) درباره ی زن آبستنی که در عده ی وفات به سر می برد، پرسیده شد که

آیا مستحق نفقه هست، حضرت پاسخ منفی دادند:

«فی المرأة الحامل المتوفی عنها هل لها نفقه؟ قال: لا»^۱

دسته ی دوم، روایاتی که نفقه را واجب می دانند.

البته این دسته در مقام بیان حکم وجوب نفقه نیستند، بلکه وجوب نفقه را مسلّم فرض کرده اند و

در صدد بیان مالی نفقه ی زوجه ی حامله ای هستند که شوهرش فوت کرده است.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند:

۱ - محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۵، باب ۹، ص ۲۳۴.

«زن آبستی که در عده ی وفات به سر می برد، خرجی او از نصیب ولدش که در رحمش هست، پرداخته می شود.»^۱

نظریه ی اول (عدم وجوب نفقه) دارای شهرت روایی و عملی است و بیشتر فقها به آن رأی داده اند و نفقه را واجب ندانسته اند.

گروهی از فقها نظر داده اند که زوجه ی حامله ای که در عده ی وفات است، مستحق نفقه است. البته این نفقه، از سهم فرزندش پرداخت می شود و از مال شوهر نمی باشد. هر چند در بعضی روایات، به طور مطلق بیان شده است که از مال شوهر پرداخت می شود؛ مانند این روایت که می گوید:

«زنی که شوهرش وفات کرده است، نفقه اش از مال شوهر پرداخته می شود.»^۲

اما در مقابل، روایاتی داریم که به صراحت می گویند: از مال فرزندش پرداخت می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«زن آبستن، که شوهرش فوت کرده نفقه اش از مال شوهر پرداخته می شود.»^۳

بنابراین، روایت دوم که مطلق است، حمل بر روایت اول می گردد: یعنی نفقه ی زن از سهم فرزندش، که در رحمش است و در ماترک شوهر مخلوط می باشد، پرداخته می شود. به بیان دیگر، نفقه از مال شوهر پرداخته می شود و قسمتی از مال شوهر، نصیب فرزند در رحم خواهد شد.

البته بعضی از روایات، نفقه ی فوق را از کل مال دانسته اند:

«نفقه الحامل المستوفی عنها زوجها من جميع المال حتی تضع»^۱

۱ - همان، باب ۱۰، ص ۲۳۶.

۲ - ابوجعفر بن الحسن طوسی، المبسوط فی فقه الامیه، ج ۳، چاپ سوم، تهران: حیدریه، بی تا، ص ۳۱۴.

۳ - همان، ج ۶، باب نفقه.

شیخ طوسی درباره ی روایت فوق، دو احتمال می دهد:

• در صورتی که ورثه به این امر رضایت بدهند، از جمیع مال پرداخته می شود، بنابراین روایت حمل بر استحباب شود.

• از جمیع مال شوهر پرداخت شود؛ زیرا نصیب و سهم الارث حمل، در میان کل مال شوهر مخلوط است و هنوز جدا نشده است؛ چون وضعیت حمل مشخص نیست که فرزند، پسر است یا دختر و یکی است یا بیشتر پس از وضع حمل، هنگامی که سهم الارث حمل مشخص شد، آن چه به عنوان نفقه به مادرش پرداخت شده است، از نصیب فرزند گرفته شده است و به ورثه برگردانده می شود.^۲

صاحب «جواهر» احتمال می دهد زوجه ی حامله ای که در عده ی وفات است، به علت گرفتاری اش به خاطر حمل، مستحق نفقه می باشد. اگر حمل زنده متولد شود، نفقه اش از سهم الارث حمل پرداخته می شود؛ زیرا حمل از دیگر ورثه اولی به این است که نفقه ی مادرش را بپردازد و اگر حمل زنده متولد نشد و در نتیجه، نصیبی نداشت، از سهم تمام ورثه ی متوفی پرداخت می شود.^۳

به نظر می رسد استدلال فوق (اولی بودن به پرداخت نفقه) از یک سو قابل مناقشه است؛ زیرا اگر مادر متمکن باشد، دیگر مستحق نفقه از سهم الارث حمل نخواهد بود؛ چون نفقه اقارب محسوب شده است و در نفقه اقارب نیاز آنان شرط است و از سوی دیگر، این استدلال در صورتی درست است که زن مجبور شود به خاطر حمل، بیشتر از چهار ماه و ده روز در عده بماند. در این صورت، حمل فقط نسبت به مازاد چهار ماه و ده روز (عده ی وفات) اولی است که نفقه ی مادرش را بپردازد؛ ولی

۱ - همان، ج ۸، ص ۳۴۶.

۲ - همان.

۳ - جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، ص ۲۳۶.

نسبت به قبل از آن، یا در موردی که قبل از اتمام عده ی وفات، حمل متولد شود دلیلی برای اولویت حمل نیست، بلکه اگر فرزندان را مجبور به پرداخت نفقه ی مادر بدانیم، فرزندان باید نفقه ی مادر را بالسویه پردازند.

قانون مدنی در ماده ی ۱۱۱۰ به طور مطلق، زن را در عده ی وفات مستحق نفقه ندانسته است. برخی از اساتید نیز به اطلاق آن تمسک کرده اند و زن حامله را در صورت فوق، مستحق نفقه ندانسته اند و قانون مدنی را تابع قول مشهور فقها (مستحق نبودن نفقه در صورت فوق) می دانند.^۱

برخی دیگر، ماده ی فوق را ناظر به زن غیر حامله می دانند؛^۲ زیرا دور از انصاف است که چنین زنی را از نفقه محروم کنیم، درحالی که ممکن است در تنگدستی به سر ببرد و شوهرش چیزی زائد بر دیون، برای وی به ارث نگذاشته باشد یا سهم او از اموال باقی مانده ناچیز بوده است و کفاف مخارج او را ندهد. به علاوه، می توان به ملاک ۱۱۰۹ قانون مدنی استناد کرد که نفقه ی زن حامله ای را که در عده ی بائن یا در عده ی فسخ است، به علت حمل، واجب می داند و بر طبق همان ملاک، برای زنی که در عده ی فوت و حامله است نیز نفقه را واجب بدانیم.

هر چند از یک سو، مخالفت با نظر مشهور فقها مشکل است و از سوی دیگر، قانون مدنی معمولاً حمل بر نظر مشهور فقها است، به نظر می رسد علت سکوت نویسندگان قانون در مورد زن حامله در عده ی وفات، همین نکته بوده باشد که نخواسته اند با نظر مشهور، به طور علنی مخالفت کنند.

۱- حقوق مدنی خانواده، ص ۱۷۳.

۲- حسن امامی، همان، ج ۴، ص ۴۴۰ و ۴۴۱.

در هر حال، قانون را می توان حمل بر زن غیر حامله کرد؛ هم چنان که بعضی از استادان (مانند

دکتر امامی) چنین کرده اند.^۱

ب. بررسی مسائل مربوط به آن

در این جا، لازم است به دو نکته ی اختلافی اشاره شود.

نکته اول: اینکه آیا نفقه ی فوق برای مادر است، یا برای حمل می باشد؟

از جمله شیخ طوسی، مشهور فقها، نفقه ی فوق را برای حمل می دانند؛ به علت منوط بودن وجوب

نفقه و عدم آن، بر وجود حمل و عدم حمل است. هنگامی که حمل نباشد در عده ی بائن، نفقه واجب

نیست و زمانی که حمل باشد، نفقه واجب می شود، از این رو، نفقه ی فوق در حقیقت، متعلق به حمل

است.^۲

گروهی دیگر، از جمله ابن حمزه و ابن زهره، نفقه را برای حامل می دانند؛^۳ زیرا اگر نفقه برای

حمل بود، باید نفقه ی حمل واجب می شد نه نفقه ی حامل، مضافاً آن که اگر برای حمل بود، از نفقه

ی اقارب محسوب می گردید و ویژگی های نفقه ی اقارب را دارا بود؛ مانند این که به استطاعت مالی

نفقه دهنده بستگی داشت و فقط نفقه ی حال و آینده، قابل مطالبه بود و در صورت وجود داشتن جد

پدری طفل، نفقه بر اقارب بر عهده ی جد می باشد و اگر حمل، از خود مالی داشت، نفقه اش ساقط

می شد، زیرا نفقه ی اقارب در صورت عجز و فقر آنان واجب است در حالی که نفقه ی فوق، ویژگی

۱ - خانواده و حقوق آن، ص ۲۷۵ و ۲۷۸.

۲ - رجعی عاملی، همان، ج ۳۱، ص ۳۲۱.

۳ - همان.

های نفقه ی زوجه را دارد. اگر نفقه ی فوق برای حمل باشد، اگر زوج در حال نشوز زوجه، وی را طلاق داده باشد، نفقه ساقط نمی گردد و هرگاه جنین، مرده متولد شود، هزینه های پرداخت شده به مادرش باید مسترد شود.

به نظر بعضی از حقوق دانان (مانند دکتر لنگرودی) متعهد له نفقه، حمل است؛ زیرا در علم اصول گفته شده است که «تعلق حکم به وصف، مشعر به علیت است» وقتی در ماده ۱۱۰۹ گفته شده است که به حامل نفقه بدهید، یعنی به خاطر وجود حمل و به علت حمل، به وی نفقه بدهید. پس نفقه به حامل داده می شود.^۱

اما برخی از استادان (مانند دکتر کاتوزیان و دکتر صفایی) نفقه ی فوق را برای زوجه دانسته اند که قانون گذار برای رعایت حال فرزند، زن را مستحق نفقه شناخته است. به علاوه، جنین پیش از تولد، پاره یی از بدن مادر است و پدر تکلیفی برای انفاق وی ندارد.^۲

بعضی از فقها (مانند علامه اردبیلی) معتقدند در چنین مواردی باید سکوت کرد و صرف نظر از این که نفقه برای حمل است یا حامل، نفقه را باید به زوجه پرداخت.^۳

نکته دوم: اینکه آیا زن حامله، در زمان عده ی فسخ، مستحق نفقه است یا خیر؟

بعضی از فقهای امامیه، مانند صاحب قواعد، و ظاهر کشف اللثام، زن حامل را مستحق نفقه در زمان عده ی فسخ دانسته اند. به نظر می رسد قانون مدنی نیز از همین قول پیروی کرده است، زیرا عبارت «... مگر در صورت حمل ..» در ماده ی ۱۱۰۹ استثنای دو مورد عده ی فسخ و طلاق

۱ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، همان، ص ۱۷۸.

۲ - سید حسن صفایی و اسدالله، امامی، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۸۷؛ ناصر، کاتوزیان، ص ۱۷۲.

۳ - به نقل از: محقق، حقوق مدنی زوجین، ص ۴۰.

است. «... اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد...» و استثنای وجوب نفقه ی حامل را فقط به طلاق بائن مربوط دانست، خلاف ظاهر عبارت و به نظر حقوق دانان، دور از انصاف و عدالت است، زیرا خصوصیت حمل، که موجب نفقه در عده ی طلاق بائن است، در عده ی فسخ زن حامله وجود دارد. پس باید حکم نفقه در این جا واجب و لازم باشد.^۱

۱. صور مختلف ازدواج در زمان عده

مسأله دیگری که در بحث عده مطرح است، بحث ازدواج زنی است که در دوران عده به سر می برد، زیرا زن در این دوران اجازه ازدواج ندارد که عالم بودن به این حکم و عالم نبودن به این حکم احکامی را شامل می شود که عبارتند از:

۱.۱. عالم به عده و حرمت

اگر با علم و یا بدون آگاهی مرد و زن به عده و حرمت ازدواج واقع شود حرمت ابدی بین زن و مرد واقع می شود و باید از هم جدا شوند. و در صورت عدم ازدواج اگر عقد از روی علم واقع شود، حرمت ابدی محقق می شود، و در صورت جهل به حرمت عقد، حرمت ابدی محقق نخواهد شد.^۲

همچنین امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: اگر مردی با زنی در عده ازدواج کند، بر او حرام ابدی می شود. و این حکم در مورد کسی است که عالم (به حکم و موضوع) باشد، اما اگر جاهل بود، زن جدا می شود و پس از اتمام عده زن می تواند با وی دوباره ازدواج کند.^۳

۲- ۱. جهل به عده و حرمت

جهل زن و مرد به عده و تحریم، شامل جهل به عده فقط (با علم به عده) می باشد. حال اگر نزدیکی، صورت نگیرد حرمت ابدی محقق نشده است، اما عقد ازدواج، باطل و فاسد است و بعد از

۱ - حسن امامی، همان، ج ۴، ص ۴۴۰.

۱ محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۴۵۰.

۳ همان، ص ۴۵۳.

اتمام عده ، زن و مرد می توانند عقد ازدواج جدید منعقد نمایند. عبد الرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام در این مورد بیان می کند: مردی سوال کرد کسی از روی جهالت با زنی در عده ازدواج می کند. آیا زن و مرد حرام ابدی می شوند؟ امام فرمودند: خیر. اگر از روی جهالت بوده بعد از پایان عده می تواند با وی ازدواج کند و مردم در موارد جهالت حتی در مسائلی بزرگتر از این مساله معذور هستند. راوی می گوید: امام فرمودند: یکی از دو جهالت از دیگری آسانتر است. در جهل نسبت به حکم ، قادر به احتیاط نمی باشد. راوی می گوید، این فرد در جهالت دیگر است؟ امام فرمودند: بله. پس از اتمام عده زن، مرد می تواند با وی ازدواج کند. راوی پرسید: اگر یکی از زن و مرد از روی عمد (و از روی علم) و دیگری از روی جهالت اقدام به چنین ازدواجی نمایند، حکمش چیست؟ امام می فرمایند: کسی که از روی عمد چنین کاری کرده، هرگز حق رجوع به دیگری را ندارد^۱.

در این روایت حکم به صراحت مطلق بیان گردیده است و بین قبل و بعد از دخول تفصیلی قائل نشده اند، حال آنکه روایات متعددی از جمله روایت حلبی که در صورت اول بیان شد، قلیل به تفصیل شده اند ، لذا این روایت به عنوان مقید باعث تقیید روایت عبد الرحمن به قبل از دخول می شود.

۳-۱. یکی عالم و دیگری جاهل به عده و حرمت

در این صورت ممکن است جهل به عده و تحریم تعلق گیرد یا جهل به یکی از آنها باشد و در این مورد دو نظر وجود دارد:

نظر اول: این که عقد از طرف فرد جاهل صحیح و نسبت به عالم، فاسد است.

اگر چه یک عقد بوده و قابل تبعیض نیست. صحت و فساد یعنی اثر داشتن عقد (نسبت به فرد عالم) و عدم اثر آن (نسبت به جاهل). فرد جاهل می تواند به مقتضای این عقد با طرف مقابل ازدواج نماید، اما چنین ازدواجی برای فرد عالم حرام است. بنابراین یک عقد به دو اعتبار ، دو اثر بر آن مترتب می شود و همین تغایر اعتباری برای تفاوت اثر کفایت می کند.

۱- محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۴۵۳.

روایت عبدالرحمن بن حجاج که در مورد دوم بیان شد، می تواند مؤید این نظر باشد. در انتهای روایت امام (علیه السلام) می فرماید: کسی که از روی علم و عمداً اقدام به چنین ازدواجی کرده حق مراجعه به طرف دیگر که جاهل بوده را ندارد. مفهوم جمله این است که برای فرد جاهل حق مراجعه وجود دارد.

نظر دوم: مشهور فقهاء معتقدند: زن و مرد، چه قبل و بعد از دخول حرام ابدی می شوند^۱.

زیرا حرمت از جانب فرد عالم مستلزم حرمت در طرف جاهل می باشد. چرا که عقد ازدواج مرکب از صحیح یا فاسد است و نمی تواند در صحت یا فساد آن تبعیض قائل شد و نسبتی به یک طرف، عقد صحیح و نسبت به طرف دیگر عقد فاسد باشد.

حتی اگر برای یک طرف نیز عقد صحیح و نسبت به طرف دیگر عقد فاسد باشد. اگر برای یک طرف عقد صحیح باشد، ثمره و فایده عملی نخواهد داشت؛ زیرا تصحیح و تنفی چنین عقدی از مصادیق اعانه بر اثم و عدوان می باشد و زمینه را برای ارتکاب فعل حرام از طرف فرد عالم مهیا می کند. در حالی که به تصریح آیه قرآن^۲ چنین عملی مورد نهی واقع شده است در نتیجه عمل به روایت عبد الرحمن بن حجاج در این مورد؛ مستلزم مخالفت با کتاب الهی است و نمی توان به روایت عمل نمود. البته از آنجا که در مسئله دماء و فروج مبنای شارع بر احتیاط است، لذا بر اساس تغلیب جانب حرمت و فساد که به احتیاط نزدیکتر می باشد؛ حکم به فساد عقد و حرمت بین زن و مرد می شود.^۳

۱ محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵، ص ۸۱۷.

۱ هائده (۵)، آیه ۲.

نتیجه گیری

اصولاً نفقه برای ایام زوجیت است و بعد از انحلال نکاح و از بین رفتن زوجیت، زن مستحق نفقه نیست. با وجود این، در دو مورد استثنایی، قانون مدنی پس از انحلال نکاح نیز زن را مستحق نفقه شناخته است:

مطلقه ی رجعیّه در ایام عده مستحق نفقه است، مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد (بند اول ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی). دلیل استحقاق نفقه در این مورد آن است که پس از طلاق رجعی رابطه ی زوجیت کاملاً قطع نمی شود و در ایام عده آثار نکاح تا حدی باقی می ماند و زن در حکم زوجه تلقی می گردد.

در عده ی فسخ نکاح یا طلاق بائن، اگر زن آبستن باشد دارای حق نفقه است (بند دوم ماده ۱۱۰۹).

چنان چه بند آخر ماده ۱۱۰۹ تصریح کرده است: زن باید از شوهر خود آبستن باشد، تا بتواند از او مطالبه ی نفقه کند. در این مورد می توان گفت، قانون گذار برای رعایت حال بچه، زن را مستحق نفقه شناخته است، هر چند رابطه ی نکاح کاملاً منحل شده باشد.

حال ببینیم آیا زن آبستن در عده ی وفات می تواند مطالبه ی نفقه کند. ماده ی ۱۱۱۰ قانون مدنی می گوید: «در عده ی وفات، زن حق نفقه ندارد». با توجه به اطلاق این ماده و قول مشهور فقهای امامیه که ظاهراً مبنای ماده مذکور است؛ باید گفت زن آبستنی که در عده ی وفات است استحقاق نفقه نخواهد داشت. شاید قبول این نظر دور از انصاف باشد. چگونه زن آبستنی که در عده ی وفات استحقاق نفقه نداشته باشد، و زن آبستنی که در عده ی طلاق بائن یا فسخ نکاح است بتواند مطالبه ی نفقه کند؟ ممکن است گفته شود زن آبستنی که در عده ی وفات است، از شوهر ارث می برد و از سهم الارث خود می تواند مخارج خویش را تأمین کند. البته ممکن است چیزی زاید بر دیون شوهر باقی نماند، یا آن چه از ترکه متوفی پس از کسر دیون و وصایا به زن می رسد، ناچیز باشد و کفاف مخارج او را ندهد. از این رو، با توجه به عدالت قضایی و انصاف و ملاک ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی،

بعضی از استادان حقوق گفته اند: ماده ی ۱۱۰ ناظر به زن غیر آبستن است و زن آبستنی که در عده ی وفات است، تا وضع حمل، استحقاق نفقه از ترکه شوهر را دارد.^۱

۱- حسن امامی، همان، ج ۴، ص ۴۴۱.

پیشهادات

با توجه به اینکه این رساله به اقسام عده و مسائل مرتبط با آن بحث کرده، لازم است که پایان نامه ای هم از منظر آیات و روایات نگاشته شود تا این دو در کنار همدیگر از ارزش بالایی برخوردار شوند.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۴.
- ۲. استرآبادی، محمد، آیات الاحکام، تعلیق محمد باقر شریف زاده، بیروت: مکتبه المعراجی، بی تا.
- ۳. اسعدی، سید حسن، خانواده و حقوق آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۴. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۱.
- ۵. بحرانی، هاشم، تفسیر روایی البرهان، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۹.
- ۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق خانواده، چاپ هفتم، تهران: کتاب خانه ی گنج دانش، ۱۳۸۶.
- ۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.
- ۸. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط الحدیث)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۳ ق.
- ۹. خمینی، روح الله، توضیح المسائل، تهران: انتشارات چاپخانه ی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰.
- ۱۰. راغب اصفهانی، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیم نیا، چاپ هفتم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۷.
- ۱۱. راوندی، سید محمد قطب الدین، فقه القرآن فی شرح آیات القرآن، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
- ۱۲. رجلی عاملی، (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ ق، مسالک الافهام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۷۳.

۱۳. سبزواری نجفی، محمد، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار المتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.

۱۴. فاضل مقداد، جمال الدین، کنزالعرفان فی فقه القرآن، محمد قاضی، بی جا، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

۱۵. صدوق، علل الشرایع، بیروت: دارالحیاء التراث وموسسه الوفاء، ۱۳۸۵.

۱۶. صفایی، سید حسن، و اسدالله امامی، حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

۱۷. صفایی، سید حسین، مختصر حقوق خانواده، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷.

۱۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تحقیق ونگارش علی کرمی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

۲۰. طوسی، ابوجعفر بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران: حیدریه، ۱۳۶۵.

۲۱. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۳۵. علوی قزوینی، علی، انواع عده و وضعیت زنان فاقد رحم، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۷۸.

۳۸. علم الهدی، مرتضی، انتصار، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۵۱۴۱۵.

۳۹. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۱.

۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ هـ ق.

۴۱. گواهی، زهرا، بررسی حقوق زنان در مسائل طلاق، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

۴۲. لويس معلوف، ترجمه المنجد با اضافات، عربی به فارسی، احمد سیاح، چاپ هشتم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۷.

۴۳. مجلسی، محمد باقر، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.

۴۴. مکارم شیرازی و جمعی دیگر، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دوم، تهران: دارالکتب اسلامی، ، ۱۳۷۴.

۴۵. میرخانی، احمد، آیات الاحکام، تهران: انتشارات گنجینه، ۱۳۶۸.

۴۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق و تعلیق محمود قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.

۴۷. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.

۴۸. وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار احکام، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۸.

۴۹. یزدی، سید محمد کاظم، جواهر الکلام، چاپ سنگی، جلد نکاح.

سایت های اینترنتی

۵۰. درگاه پاسخ گویی به مسائل دینی، نوشته شده مجید کمالی

time.17 date.1390/05/01 <http://islampedia.ir/fa/1390/02>

time.16.30 <http://www.mr-zanan.ir/template/news> .۵۱

date.1390/05/01

time.18 date.1390/05/01 <http://segheh.prsiblog.com> .۵۲

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.